

نبرد خلق

آغاز سال ۱۹۹۶ میلادی، جشن کریسمس و میلاد حضرت مسیح را به هموطنان مسیحی شادباش می گوئیم.

سرمقاله

چند رویداد مهم

اوضاع بین‌المللی هر روز بیشتر از روز قبل بر رژیم ملاحا سخت می‌شود. از وقتی که سفر ولایتی به آلمان، واعظی به فرانسه و کلانتری به هلند، لغو شد. تا امروز، رویدادهای مهم دیگری نیز در رابطه با رژیم اتفاق افتاده است. دادگاه متهمان به قتل رهبران حزب دموکرات کردستان ایران که در برلین جریان دارد، حکم احضار فلاحیان را به عنوان طراح آن ترور وحشیانه صادر نمود. این حکم صرف‌نظر از عملی بودن یا نبودن آن، بزرگترین شکست برای رژیم ایران در رابطه با دادگاه برلین است. بر فرض محال اگر فلاحیان در دادگاه حاضر شود، با توجه به نحوه دقیق تحقیقات و بررسی که در دادگاه جریان دارد، صحت دخالت او در ترور ۴ ایرانی ثابت می‌شود و اگر در دادگاه حضور پیدا نکند، (که مسلماً چنین می‌شود)، به همان دلایلی که دادگاه حکم احضار او را صادر نمود، حکم مجرمیتش را نیز صادر خواهد کرد و در هر دو حالت، این رژیم آخوندی و دولت رفسنجانی است که مجرم شناخته می‌شود. دومین رویداد مهم دیگر، تصویب طرح تنبیه شرکت توتال در کمیسیون بودجه سنای آمریکا است. حضور نمایندگان هر دو حزب آمریکا در این کمیسیون و رأی قاطعی که این طرح در کمیسیون سنا آمریکا به دست آورد، این اعتقاد را تقویت کرده که این طرح به تصویب قوه مقننه آمریکا خواهد رسید و به احتمال زیاد کلیت آن را وتو نخواهد کرد. اگر این طرح به تصویب مجلسین آمریکا برسد و کلیت آن را وتو نکنند، نه فقط شرکت توتال در مقابل یک مسئله مهم قرار می‌گیرد، بلکه زنگ خطری برای شرکت‌های دیگر نفتی است که ممکن است به فکر معامله با رژیم آخوندها باشند. در این حالت، بعید است که شرکت توتال در موضع قبلی خود، یعنی معامله با رژیم ایران پایدار بماند. به دنبال امضای قرارداد صلح در بوسنی این نظریه که سازش قدرتمندترین سلاح در مورد بوسنی آغازیست برای برخورد هماهنگ‌تر، با آخوندها در مورد کارشکنی‌هایشان در صلح اعراب و اسرائیل، طرفداران زیادی پیدا کرده است. و سرانجام سومین رویداد مهم، محکومیت رژیم آخوندی در کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد است که منجر به محکومیت رژیم در مجمع عمومی خواهد شد. آخوندها برای جلوگیری از این محکومیت، از چندی پیش اعلام

در صفحه ۲

پیرامون ادعاهای یک تبهکار

«درست ۱۰ سال پیش وقتی در ۴ بهمن ۱۳۶۴، باند حاکم بر اقلیت مبادرت به یک درگیری مسلحانه درونی در روستای گاپلون در کردستان عراق نمود. ما در معرفی یکی از مسئولین اصلی این اقدام تبهکارانه چنین نوشتیم: «حسین زهری (بهرام - پرویز) مسئول خارج از کشور اقلیت و چهره مافیایی آن، فردی دروغ‌گو، مزور، بی‌پرنسیب، سودجو، مال‌اندوز، بی‌رحم و فاقد عاطفه انسانی» (در باره آخرین جنایت باند حاکم بر اقلیت ۱۰/بهمن/۶۴).

فعالیت مشترک به سبک آمریکایی

در صفحه ۷

توسعه در جهان سوم (۱)

در صفحه ۷

صفحه دیدگاهها از شماره آینده

در صفحه ۲

در باره مجمع عمومی ملل متحد

در صفحه ۷

در باره انوربته

در صفحه ۱۱

رژیم دام اعتیاد می‌گسترد

در صفحه ۱۲

پناهندگان

در صفحه ۱۳

فرهنگ و هنر

سیمای در تبعید یویا، روشنگرانه و مبارز

اخبار هنری

در صفحه ۵

به علت تراکم مطالب و کمبود جا، ادامه چاپ گزارش پکن در این شماره میسر نشد.

دیدار دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی و هیئت شورای ملی مقاومت

در صفحه ۶

درگذشت خانم شمس‌الملوک صدر، مادر خانم شهزاد صدر، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران را به ایشان و خانواده صدر تسلیت می‌گوییم. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اعتصابهای کارگری

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس در تاریخ ۹ آذر ۷۴ اطلاعیه‌ای تحت عنوان «موج جدیدی از اعتصابهای کارگری در شمال و مرکز ایران به شرح زیر صادر نمود.

بنا به گزارشهای دریافتی از ایران، با وخامت اوضاع اقتصادی کشور که فشارهای طاقت‌فرسای اجتماعی را به دنبال دارد، کارگران کارخانه‌های نساجی قائمشهر، پارس فوستون، خام بافت و آجر عالی در اصفهان دست به اعتصاب زده‌اند.

کارگران کارخانه نساجی قائمشهر از روز شنبه ۴ آذر به خاطر عدم افزایش دستمزدشان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب ادامه دارد و جو کارخانه بسیار متشنج است. این چندمین اعتصابی است که در این کارخانه صورت می‌گیرد.

کارخانه پارس فوستون اصفهان از روز پنجشنبه ۲ آذر تاکنون در اعتصاب بسر می‌برد. در پی واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی، کارگران و کارکنان این کارخانه دست به اعتصاب زده و علیه رژیم شعار می‌دهند. قرار بود که ۳۳ درصد سهام کارخانه به کارگران واگذار شود. اما رژیم از این کار خودداری کرده است. این کارخانه در نزدیکی جاده تهران واقع شده و نیروهای سرکوبگر رژیم در وحشت از گسترش این اعتصاب و بستن جاده توسط کارگران، در بیرون کارخانه مستقر شده‌اند.

کارخانه آجر عالی اصفهان، که بیش از ۲۰۰ کارگر دارد، در حال حاضر به دلیل عدم پرداخت حقوق به کارگران در اعتصاب بسر می‌برد. کارگران این کارخانه طی ماه گذشته نیز به دلیل عدم پرداخت حقوقشان اعتصاب کرده بودند.

در حال حاضر، این کارخانه به دلیل کمبود نقدینگی، فقدان سرمایه کافی برای تهیه مواد اولیه و همچنین کمبود بودجه برای پرداخت حقوق و مزایای کارگران، دچار مشکل جدی می‌باشد.

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی خام بافت اصفهان به دلیل عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زده‌اند. این کارخانه که بیش از ۲۵۰ نفر کارگر دارد، همچنین با کمبود جدی مواد اولیه مواجه است. □

پیرامون ادعاهای یک تبهکار

مدارکی که از سفارت رژیم در سوئیس به دست آورده بود، وارد معامله با سرویسهای مختلف اطلاعاتی کشورهای مختلف شده و از طریق مراکز مالی و تجاری که ایجاد کرده، وارد معامله با طرفهای گوناگون و منجمله با دلالتان رژیم و افراد وابسته به ماجرای ایران گیت شده است. او در ارتباط با منوچهر قربانی فر، از دلالتان معروف اسلحه، نقش «پاک کردن» دلارهایی که از طریق دلالتی اسلحه برای رژیم مالاها به دست منوچهر قربانی فر می رسیده را به عهده داشته است.

حسین زهری از این طریق وارد معامله با مسئولین بانک تجارت و بعضی بانکهای دیگر ایرانی در پاریس شده و بخشی از مدارک سفارت رژیم در سوئیس را از این طریق به مامورین ساوا می گرداند.

بخش قابل توجهی از ۱۵ میلیون دلاری که از آن صحبت شده، از طریق دلالتی معاملات با رژیم ایران و «پاک کردن» پول دلالتی خرید اسلحه قاچاق برای رژیم آخوندی به دست آمده و موضوع «مصادره» این پول از رژیم یک ادعای پوچ و توخالی است. اقدامات حسین زهری هیچ ربطی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نداشته و هرکسی که بخواهد حرکات تبهکارانه این باند را به موضوعات سیاسی اپوزیسیون رژیم ربط دهد در خدمت اهداف پلید این باند قرار گرفته است.

ما ضمن محکوم نمودن شیوههای چماقدارانه حسین زهری تبهکار و ضرب و شتم جدا شدگان از این باند مافیایی به افراد جدا شده توصیه می کنیم به جای متوسل شدن به شیوههای محافظه کارانه و دست آویز قرار دادن ادعاهای سخیف و بی مایه به افشاء کامل اطلاعات خود پیرامون این باند تبهکار و مافیایی پردازند.

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مهدی سامع

۲۰ آذر ۱۳۷۴ - ۱۱ دسامبر ۱۹۹۵

محافظه کارانه تنظیم و در مواردی توأم با ادعاهای سخیف است، با این حال بخش کوچکی از حقایق مربوط به اقدامات سردسته این باند تبهکار را بر ملا می کند. در این جزوه نوشته شده که حسین زهری به «تهدید، چماق و افترا» (ص ۲) متوسل و ضمن تماس با «دول ارتجاعی منطقه» (ص ۲) با مامورین ساوا نیز در ارتباط بوده و «دولت جمهوری اسلامی سه میلیون دینار تقلبی به وی داده که در عراق بخش کند» (ص ۳) نویسندگان جزوه به «رابطه صمیمانه وی با افراد ساوا، مسئول خانه ایران و مسئولین بانک سپه و ملی» (ص ۲۰) در پاریس اشاره کرده و نوشته اند که یکی از افراد گوش به فرمان او «یکی از عوامل اطلاعات سپاه در شهر سقز را از ایستگاههای بازرسی تحت کنترل ارتش عراق عبور داده و به کرکوک آورده ...» (ص ۲۴) و بالاخره اینکه خود او «در یکی از هتلها پاریس با یکی از مسئولین ساوا، حدود یک سال پیش ملاقات و به مذاکره پرداخته» (ص ۲۵) است.

در مقابل حسین زهری در تاریخ اول آذر ۷۴ از تاکتیک فرار به جلو استفاده کرده و طی یک اطلاعیه خیر کذایی «مصادره» ۱۵ میلیون دلار را بخش می کند. او ضمن اتخاذ مواضع به اصطلاح رادیکال در مقابل رژیم، برای این که حرکات تبهکارانه خود را پنهان کند از تمامی نیروهای مخالف رژیم خواسته که «نیروها را یک جا به سوی رژیم هدف قرار» دهند. اما هدف واقعی او از انتشار این اعلامیه چیز دیگری است. او می خواهد در گرد و غباری که جنجال مصادره ۱۵ میلیون دلار پیاپی می کند مانع روشن شدن حقایق مربوط به اقدامات خود شده و در ضمن مضروب شدگان را با مارک همکاری با جمهوری اسلامی مرعوب کند. و این حیلہ رزیلانه حسین زهری ما را موظف می که نقش واقعی او را معرفی کنیم.

حسین زهری که گرداننده اصلی ماجراجویی ننگین بهار سال ۶۵ در اورسوراواژ برای اخراج مسعود رجوی از پاریس بود، با در دست داشتن

این روزها جنجال به اصطلاح مصادره «پانزده میلیون دلار از بودجه تسلیحاتی» رژیم جمهوری اسلامی به خوراک تبلیغاتی بعضی محافل و رسانهها تبدیل و برای بسیاری این پرسش را مطرح ساخته که در پشت این جنجال و این به اصطلاح «مصادره» چه می گذرد و حقیقت قضایا چیست؟ توضیح حقایق مربوط به این جنجال به ویژه برای کسانی که از رویدادهای ده سال قبل اطلاع ندارند، از آن جهت مهم است که این به اصطلاح «مصادره» به نام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعلام می شود. اما حقیقت چیست؟ برای پاسخ به این سوال باید به عقب برگردیم.

درست ۱۰ سال پیش وقتی در ۴ بهمن ۱۳۶۴، باند حاکم بر اقلیت مبادرت به یک درگیری مسلحانه درونی در روستای گاپیلون در کردستان عراق نمود. ما در معرفی یکی از مسئولین اصلی این اقدام تبهکارانه چنین نوشتیم: «حسین زهری (بهرام - پرویز) مسئول خارج از کشور اقلیت و چهره مافیایی آن، فردی دروغ گو، مزور، بی پرستی، سودجو، مال اندوز، بی رحم و فاقد عاطفه انسانی» (در باره آخرین جنایت باند حاکم بر اقلیت - ۱۰ بهمن/۶۴)

در آن موقع این افشاگری به مذاق بسیاری از افراد و نیروهای سیاسی که نمی خواهند و یا نمی توانند حقایق را آن گونه که واقعا هست به اطلاع مردم برسانند، چندان خوش نیامد. امروز که پس از ده سال، چند نفر از افراد این باند مافیایی که خود در بسیاری از اقدامات چماقدارانه و تبهکارانه حسین زهری نقش مهمی داشته اند، بنا به دلایلی که بر ما روشن نیست از این باند جدا شده، همه از حرکات مافیایی حسین زهری حرف می زنند و حسین زهری به شیوه همیشگی چماقداران خود را بسیج کرده و جدا شدگان را مورد ضرب و شتم قرار داده است. در مقابل مضروب شدگان در روز ۷ نوامبر ۹۵ مبادرت به پخش جزوه ای به نام «برای ثبت در تاریخ» می کنند. این جزوه گرچه بسیار

صفحه دیدگاهها

از شماره آینده

اوضاع بحرانی در جامعه ما، بن بست و بحرانی که سرتا پای رژیم آخوندها را فرا گرفته و موقعیت جنبش مقاومت ایران که بر بستر پیچیده ترین شرایط داخلی، منطقه ای و جهانی در راه رهایی مردم ایران به پیش می رود، اصلی ترین مشخصه های مرحله کنونی رشد و تکامل جامعه ماست. اما مشخصه دیگر جامعه ما جوان بودن جمعیت آنست. کسانی که در سالهای اولیه دهه ۶۰ هنوز به مدرسه نرفته بودند، امروز جوانانی هستند که از بسیاری مسایل که بر جنبش انقلابی ایران گذشته، خبر ندارند و بخش مهمی از قشر جوان میهن ما که در خارج از کشور، در درجاتی در صفوف مقاومت ایران فعالیت می کنند، خواستار آنند که بدانند چرا این یا آن سازمان و جریان مقاومت ایران به این یا آن نظریه اعتقاد داشته و این یا آن نظر را رد می کنند. روشنگری در این رابطه سبب رشد و اعتلای بیشتر مبارزه مردم ایران علیه ارتجاع و برای دموکراسی خواهد شد. بدین منظور نبرد خلق از شماره آینده، یک بخش تحت عنوان «دیدگاهها» می گشاید. کسانی که برای آرمانهای والای بشری هم چون آزادی، عدالت و دموکراسی ارزش قائل و در راه تحقق آن به اشکال مختلف می کوشند، کسانی که

چند رویداد مهم

از صفحه ۱

کردند که به گزارشگر ویژه سازمان ملل امکان مسافرت به ایران می دهند. رفسنجانی فکر می کرد با این مانور حیلہ گرانه، همچون سال ۱۹۹۰ مانع محکومیت رژیم در مجمع عمومی خواهد شد. رأی به

هرگونه سازش با رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن ما را اقدامی علیه شافع مردم ایران می دانند. کسانی که نظامهای استبدادی شاه و شیخ و اصولاً هر شکل از استبداد را مانع پیشرفت و ترقی مردم ایران می دانند، کسانی که به دموکراسی و عدالت به مثابه اصلی ترین خواست مردم ایران اعتقاد دارند، می توانند نظرات خود را برای نبرد خلق ارسال نمایند. توصیه ما این است که مطالب ارسالی کوتاه (حدود ۳ تا ۴ صفحه A4) باشد. ویراستاری یا کوتاه کردن مقاله های ارسالی بدون این که در مضمون مقاله تغییری حاصل شود، از حقوق نبرد خلق است. بدیهی است که هر تغییری که از جانب نبرد خلق صورت گرفته باشد، در ابتدای مقاله ذکر می شود. ♦

محکومیت رژیم آخوندها، رژیم را در مورد گزارشگر ویژه ملل متحد، بر سر دو راهی سختی قرار می دهد. اگر به گزارشگر ویژه اجازه ورود به ایران بدهد، پرونده جنایتهای رژیم بیشتر افشاء می شود و بنابراین هم چوب و هم پیاز را خورده است و اگر عکس آن عمل کنند، واهی بودن بهانه هایشان در مورد گالیندویل به اثبات می رسد.

در مجموع می توان گفت که حلقه فشار در زمینه بین المللی بر رژیم تنگتر شده و دارودسته خانمهای رفسنجانی نمی توانند در مقابل این فشار، خنثی بمانند. اگر آخوندها بخواهند در مقابل این فشارها «ترسش» نشان دهند، هیچ مانور تاکتیکی کارساز نخواهد بود. آنها باید در گام اول صلح اعراب و اسرائیل را به طور کامل به رسمیت بشناسند. برداشتن این گام البته خارج از ظرفیت دستگاه ولایت فقیه بوده و منجر به پاشیدگی هرچه بیشتر رژیم می شود. از آنجا که خود رژیم به این امر و قوف کامل دارد، راهی جز دست و پا زدن در بحران و بن بست و اتخاذ بعضی مواضع تاکتیکی و البته غیر مؤثر در صحنه بین المللی برای رژیم نمی ماند. مقاومت ایران مصممانه هر مانور عوامفریبانه رژیم را همچون گذشته افشاء خواهد کرد. □

اخبار سرکوب، تروریسم و بنیادگرایی

اخبار زنان

ترکیه

به گفته پلیس ترکیه، پس از دستگیری سه تن در سواحل اروپایی دریای مدیترانه، پلیس امروز اقدام به دستگیری حدود ۳۰ تن از اعضای یک شبکه تروریستی نمود.

دو تن از کسانی که دیروز دستگیر شده بودند، طی درگیری با پلیس زخمی شدند. یکی از افرادی که دیروز دستگیر شده در قتل ۵ نفر دست داشته است. این ۵ تن عبارتند از: ستون نویس روزنامه حریت، ستین امک و راننده اش، محقق لائیک توران دورسون و مخالفین ایرانی، علی اکبر قربانی و عباس قلیزاده. یکی از چهار نفری که توانسته بود دیروز فرار کند، امروز یکشنبه دستگیر شد.

خبرگزاری فرانسه ۵/۹/۷۴

الجزایر

سه فرانسوی الجزایری الاصل به اتهام هم دستی با خالد خلخال، یک بنیادگرای الجزایری که در ماه سپتامبر توسط پلیس فرانسه کشته شد، دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفتند. منابع قضایی گفتند که کریم آیت‌الدیر و دو برادرش به اتهام همدستی جنایی با یک تشکل تروریستی محاکمه خواهند شد.

خبرگزاری فرانسه ۴/۴/۷۴

نیجریه

روزنامه فرانکفورتر روندشاو در شماره ۱۱ آذر ۷۴ نوشت که مجلس آلمان در اعتراض به اعدام نویسنده نیجریایی، دیروز تصمیم گرفت که خرید نفت از این کشور را متوقف نماید و موافقت خود را با تحریم نفتی نیجریه اعلام کرد. به نوشته این روزنامه، سخنگویان تمامی احزاب در پارلمان، «نقض حقوق بشر و رفتار بربریت» رژیم نظامی نیجریه را محکوم و خواستار شمتات از این رژیم شدند. مجلس آلمان هم چنین تصمیم گرفت که تا ۷۰۰ میلیون مارک در اختیار ارتش آلمان برای گسیل قریب ۴۰۰۰ سرباز به منطقه بالکان و یوگسلاوی سابق قرار گیرد.

ایران

روزنامه رسالت به بهانه چاپ قصه‌یی در یکی از ماهنامه‌های ادبی تهران که در آن تصویر سیاهی از زن مسلمان ارائه شده که او را کتک‌خور، اسیر دست مرد بیان کرده، به شدت به آن مجله حمله برده و از قوه قضاییه پرسیده آیا منتظر شاکه خصوصی است تا به این توهینها رسیدگی کند. قصه‌یی که نویسنده مقاله رسالت به آن اشاره کرده با عنوان زنی که از دنده چپ مرد متولد شد در مجله اخیر دنیای سخن چاپ شده است.

رادیو بی.بی.سی ۲۵/۷/۷۴

فرمانده گارد ساحلی الجزایر ژنرال محمد بوتیقان دیشب در الجزیره کشته شد. الجزایر مسئولیت این قتل را به عهده گروههای اسلامی گذاشته است. این اولین قتل در صفوف مقدم ارتش الجزایر و در محله‌یی صورت گرفته است که ظاهراً به شدت تحت مراقبت نیروهای امنیتی دولتی بوده است.

رادیو فرانسه ۷/۷/۷۴

روز یکشنبه ۱۱ آذر ۷۴ یک خبرنگار الجزایری توسط بنیادگرایان اسلامی به قتل رسید. حمید محیوت، خبرنگار روزنامه فرانسوی زبان «لیبرته» همراه با راننده اش در نزدیکی شهر الجزیره به قتل رسیدند.

خبرگزاری فرانسه دوشنبه ۱۲/۹/۷۴

خبرگزاری الجزایر گزارش کرد دو تن از رهبران گروههای بنیادگرای الجزایری که از جنبه نجات اسلامی به گروه مسلح اسلامی پیوسته بودند به دست اعضای گروه خود به قتل رسیدند. گفته می‌شود تضادهای درونی موجب این تصفیه حسابهای خونین در گروه افراطی الجزایر شده است.

۲۵ آذر ۷۴

روزنامه فیگارو، چاپ پاریس در شماره روز ۲۷ نوامبر ۹۵ می‌نویسد که احمد زاولی، یکی از مسئولان اروپایی جیا، که در ۲۰ نوامبر گذشته توسط دادگاه بلژیک به اتهام همکاری در باند تبیهکاران به ۴ سال زندان معلق محکوم شده بود، روز دوشنبه ۲۷ نوامبر امسال به الجزایر پس داده شد. وی در سال ۱۹۹۳ توسط دادگاه ویژه الجزایر

اسرائیل

به موجب قانونی که در پارلمان اسرائیل به تصویب رسید، زنان خانه‌دار اسرائیلی نیز از این پس از سن ۶۵ سالگی حقوق بازنشستگی خواهند گرفت. این قانون به همت بانو اورانامیر، وزیر کار و امور رفاه اجتماعی اسرائیل، در پارلمان اسرائیل تصویب شد. اجرای این قانون در سال نخست بیش از ۳۰ میلیون دلار برای دولت هزینه در بر خواهد داشت، اما دولت چاره‌یی جز اجرای این دستور پارلمان ندارد.

رادیو اسرائیل ۳۰/۸/۷۴

سوئیس

روزنامه لوکوریه در شماره اول آذر ۷۴ خود در مطلبی با عنوان «برابری زن و مرد، یک ایده‌آل در رویا» نوشته است: «بسیاری از آمار اداره فدرال را به سختی می‌توان باور کرد. زنان که یک سوم از ۳۷۰۰۰ پستهای کاری را در مدارس بالای سوئیس اشغال کرده‌اند، فقط ۵ درصد مشاغل واقعی را معرفی می‌کنند... مردها ۹۵ درصد مشاغل استادی را به عهده دارند و ۸۲ درصد شغلهای آموزشی را. زن بودن سخت و سخت است.»

فرانسه

دهها هزار تن از زنان پاریس روز چهارم آذرماه امسال در اعتراض به مخالفین سقط جنین و در تاکید بر حقوق حقه زنان دست به تظاهرات زدند. گروههایی از افراطیون کاتولیک در فرانسه از چندی پیش تلاشهای گسترده‌یی را برای لغو قانون آزادی سقط جنین به راه انداخته‌اند.

روسیه

مجله فیینا چاپ سوئیس در شماره روز ۲۴ نوامبر ۹۵ پیرامون وضعیت زنان در روسیه می‌نویسد: شرایط در روسیه به خصوص برای زنان بدتر می‌شود، آنان قربانی تبعیضات رو به افزایش در تمامی جنبه‌های زندگی هستند. بر طبق یک گزارش رسمی در حال حاضر زنان از قلمرو سیاست کنار گذاشته شده‌اند. زنان فقط ۱۱ درصد از کرسیهای پارلمان را دارا می‌باشند و فقط یک زن در هیأت دولت روسیه است. در مجلس محلی مسکو فقط ۱۰ درصد از میان تمامی نمایندگان زن هستند. در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۷ نزدیک به نصف اعضای مجلس را شامل می‌شد... ۷۰ درصد از بیکاران را زنان تشکیل می‌دهند و آثانی که کار می‌کنند یک درآمد بسیار پایین که حداقلهای زندگی آنان را تامین می‌کند، دارند. بسیاری از آنان به تنهایی فرزندانشان را بزرگ می‌کنند.

آمریکا

روزنامه انگلیسی تایمز در شماره ۱۱ آذر ۷۴ نوشت که، هیلاری کلینتون، همسر رئیس جمهور آمریکا، در ملاقاتی با ۲۲ زن حزبی و سیاسی در سفارت آمریکا در لندن گفت: «زنان وقت زیادی را صرف گرفتن تاییدیه از سوی دیگران می‌کنند و به دنبال این نیستند که خودشان خود را مورد تایید قرار دهند...»

الجزایر

یک زن خبرنگار به نام خدیجه دهمانی ۲۸ ساله توسط بنیادگرایان اسلامی در مرکز شهر الجزیره ترور شد. او که خبرنگار هفته نامه اشروک بود، دومین خبرنگاری است که طی چهار روز اخیر در الجزایر به قتل می‌رسد.

خبرگزاری رویتر ۱۴/۱۴/۷۴

اخبار گوناگون از سراسر جهان

اخبار سرکوب، تروریسم و بنیادگرایی

جلوگیری از اعدام

سازمان عفو بین‌المللی که مرکز آن در لندن قرار دارد، امروز با انتشار یک اطلاعیه اضطراری از اعضای خود خواست برای جلوگیری از اعدام یک جوان کرد ۲۸ ساله ایرانی، تلاشهای گسترده‌ای را برای جلب افکار عمومی آغاز نمایند. این کرد ایرانی که رحمان رجیبی نام دارد، از اعضای سابق حزب دموکرات کردستان ایران می‌باشد و در ماه اکتبر گذشته به اتهام نامعلومی در یک دادگاه اسلامی به مرگ محکوم گردید. عفو بین‌المللی یادآوری می‌کند که احتمال می‌رود تنها اتهام فرد مذکور عضویت وی در حزب دموکرات کردستان بوده باشد.

رادیو فرانسه ۲۹/۷۴

الجزایر

ژنرال زروال، رئیس‌جمهور منتخب الجزایر، طی مراسم ویژه‌ای در الجزیره، پس از ادای سوگند رسماً دوره ریاست جمهوری خود را از امروز آغاز کرد. امین زروال، در سخنانی در این مراسم، ملت الجزایر را به آشتی ملی فراخواند و به خصوص از جوانهایی که به طرف افراط‌گری و اسلام‌یون مسلح سوق داده شده‌اند، خواست تا اسلحه خود را به زمین بگذارند و در بازسازی و اداره کشور شرکت کنند. وی از سوی دیگر، قاطعانه به افراطیون مسلح و شورشیان اسلامی هشدار داد که به مبارزه سرسختانه علیه تروریسم ادامه خواهد داد. رئیس‌جمهوری منتخب الجزایر، هم چنین از دولت مختار صیفی خواست تا به کار خود همچنان ادامه دهد.

رادیو فرانسه ۶ آذر ۷۴

تبرئه یاشار کمال

یاشار کمال، نویسنده بزرگ ترک توسط دادگاه امنیت در استانبول تبرئه شد. رادیو فرانسه در برنامه روز ۱۰ آذر ۷۴ می‌گوید یاشار کمال در ماه ژوئیه گذشته با انتشار مقاله‌ای در مجله آلمانی اشپیکل نسبت به سرکوب کردها توسط آنکارا اعتراض کرده بود و به همین دلیل متهم به حمایت از جدایی‌طلبان کرد این کشور شده بود. دقایقی پس از اعلام حکم دادگاه، یاشار کمال اعلام داشت که به مبارزه خود برای دفاع از آزادیهای اساسی در ترکیه ادامه خواهد داد.



اعلام کردند که این انتخابات آزادانه بوده و اشتیاق مردم روسیه برای دمکراسی را مورد ستایش قرار دادند. متحدین غربی روسیه به موفقیت حزب کمونیست در انتخابات پارلمانی این کشور با نگرانی برخورد کردند و ارزیابی کردند که روابط مشکل آنها با ایر قدرت سابق احتمالاً به این زودیها بهبود نخواهد یافت.

رویتر ۲۷/آذر ۷۴

خود را که به جنگ سرد مربوط می‌شود، به کنار گذاشته و فصل نویینی را در روابط بین‌المللی بگشاید. روتیلات که در ساختن اولین بمب اتمی شرکت داشته است، امروز طی مراسمی در تروژ، مبلغ ۱ میلیون دلار را به خاطر مبارزه‌اش با تسلیحات هسته‌ای، دریافت کرد.

گزارش یونیسف

صندوق بین‌المللی کودکان، یونیسف، گزارش سالانه خود در باره وضع کودکان در مراکز بحرانی جهان را امروز انتشار داد. براساس گزارش سالانه صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، در اثر جنگ در نقاط مختلف دنیا در ۱۰ سال اخیر، دو میلیون کودک جان خود را از دست داده، بین چهار پنج میلیون دچار نقص عضو شده، ۱۲ میلیون بی‌خانمان گشته و بالاخره یک میلیون دیگر یتیم شده‌اند. علاوه بر این، ۱۰ میلیون کودک نیز در جریان جنگها دچار ناراحتیها و اختلالات روانی شده‌اند و سهم از همه هزاران کودک در کنار سربازان درگیر جنگ بوده‌اند. این گزارش حکایت از آن دارد که از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۲ در جریان ۱۴۹ مناقشه در نقاط مختلف جهان ۲۳ میلیون تن جان خود را از دست داده‌اند. درصد غیر نظامیان کشته شده در جنگ که قرن هجدهم ۵۰ درصد کشته‌شدگان بود، در سالهای دهه ۸۰ قرن جاری به ۹۰ درصد رسیده است.

رادیو فرانسه ۲۰ آذر ۷۴

اطلاعیه

حزب دموکرات کردستان ایران طی اطلاعیه‌ای گزارش داد که جمهوری اسلامی قصد دارد اهالی روستای دوله‌تو واقع در منطقه سردشت را از این روستا بیرون کند. در اطلاعیه این حزب آمده است که در طی اخطار فرماندار سردشت به اهالی روستای دوله‌تو برای تخلیه آن جا، آنان به مقامات محلی و ملی متوسل شدند ولی این اقدامات نه تنها نتیجه‌ی بخشید بلکه چند نفر از اهالی دستگیر شدند و در سرمای شدید زمستانی منطقه به اهالی روستا ۱۰ روز مهلت داده شد که آنجا را ترک کنند.

اطلاعیه می‌افزاید چنانچه این تصمیم به مورد اجرا در آید، جان اهالی به ویژه کودکان و سالخوردهگان در این سرمای شدید در خطر قرار می‌گیرد. حزب دموکرات کردستان ایران از همه سازمانهای حقوق بشری خواسته است برای پیشگیری از این واقعه بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد آورند.

رادیو فرانسه ۲۴ آذر ۷۴

انتخابات روسیه

نتایج انتخابات پارلمانی روسیه نشان می‌دهد کمونیستها تاکنون بیش از ۲۲ درصد آرای رای دهندگان را به خود اختصاص داده و در مقام اولین تشکل سیاسی در پارلمان و حزب راست افراطی ولادیمیر ژیرنوفسکی در ردیف دوم قرار دارند. گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست، گفت: نتایج این انتخابات نشان‌دهنده مخالفت مردم روسیه با رفرمهای به سبک غربی دولت یلتسین است. ناظران بین‌المللی در انتخابات پارلمانی روسیه

حق طلاق در ایرلند

طبق نخستین نتایج رفراندوم ایرلند طرفداران اصلاح قانون اساسی این کشور مبنی بر لغو ممنوعیت حق طلاق، یعنی آنهایی که به پرسش رفراندوم در باره حق طلاق زوجات پاسخ آری داده‌اند، با تفاوت فقط ۶ هزار رای پیروز شده‌اند. رادیو فرانسه ۴/آذر ۷۴

بیماری ایدز در ایران

علیرضا مرندی، وزیر بهداشت و درمان رژیم اعلام کرد از زمان ظهور بیماری ایدز در سال ۱۹۸۵ در ایران، بیش از ۱۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند و ۲۱۱ تن دیگر حامل ویروس HIV هستند. مرندی گفته است که ۱۷۵ تن از این افراد هنگام تزریق خون، به ویروس مزبور آلوده شده‌اند... اولین مورد ایدز در ایران در سال ۱۹۸۵ در یک کودک یک ساله مشاهده شد که از طریق تزریق خون وارداتی، به این ویروس آلوده گردیده بود.

درگیری با نیروهای رژیم

چریکهای کرد ایرانی روز دوشنبه ۱۳ آذر ۷۴ گفتند ۱۵ تن از نیروهای دولتی ایران را در زدوخوردهایی در غرب این کشور از پای درآورده‌اند. حزب دموکرات کردستان ایران به خبرگزاری رویتر گفت، افرادش حداقل ۱۵ تن از نیروهای دولتی را طی سه درگیری که در اواسط نوامبر در اطراف شهر بانه روی داد، از پای درآورده‌اند.

نماینده جدید کمیسیون حقوق بشر

«موریس سن‌بیل کاپیتون، نماینده جدید کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، بعد از استعفای کالیندویل به عنوان نماینده جدید این کمیسیون برای بررسی نقض حقوق بشر تعیین شده است، وی رژیم ایران تقاضای بازدید از ایران را کرده است. نماینده جدید یک حقوقدان و دیپلمات کانادایی و استاد دانشگاه است که در زمینه حقوق بین‌الملل تخصص دارد. او مدتی هم در ایران عضو هیأت دیپلماتیک کانادا بوده است.

انتخابات مجلس در مصر

در دومین دور انتخابات مجلس در مصر، ۱۲ نفر کشته و ۴۰ تن دیگر در چند درگیری مختلف مجروح شدند. در دور اول انتخابات احزاب مخالف موفق به راه یافتن به مجلس نشدند، این احزاب و سازمانهای مدافع حقوق بشر به تعلق گسترده در انتخابات اعتراض کردند. روز گذشته دولت آمریکا از مصر خواست تا در مورد تقلبهای احتمالی در انتخابات تحقیق کند.

رادیو فرانسه ۱۵/آذر ۷۴

جایزه صلح نوبل

مراسم اعطای جایزه صلح نوبل در تروژ روز ۱۰ دسامبر ۹۵ برگزار شد. ژوزف روتیلات فیزیکدان انگلیسی و برنده جایزه صلح نوبل امسال هنگام دریافت جایزه خود، خواستار نابودی تمامی تسلیحات هسته‌ای در سراسر جهان گردید. این فیزیکدان ۸۷ ساله گفت: «همواره مسئولیت خود را در قبال بشریت به یاد داشته باشید. من از قدرتهای اتمی جهان می‌خواهم افکار عقب مانده

فرهنگ و هنسرس

سینمای در تبعید
پویا، روشنگرانه و مبارز

— محمدرضا حمیدی

از دیرباز یکی از خصایص حکومت‌های ضد انسانی و استبدادی، حمله به هنرمندان و محدود نمودن آنها، سعی در اعمال سانسور و جلوگیری از بروز استعداد‌های هنری در زمینه‌های مختلف بوده است. به همین جهت هنرمندان برای ابراز خلاقیت‌های هنری و مبارزه علیه چنین سیستمی مجبور به مهاجرت و اقامت در کشورهای دیگر، انجام فعالیت‌های خود به ویژه علیه سانسور و افشای علل اصلی مهاجرت خود یعنی وجود سیستم سرکوب و اختناق در کشورشان می‌گردیدند. سینما نیز به عنوان هنر هفتم در طول حیات خود از این امر مستثنی نبوده و سینماگران و فعالین امور سینمایی نیز مثل دیگر هنرمندان مورد تهدید دائمی حکومت‌های سرکوبگر و ضد انسانی و هنرکش بوده‌اند. میگوئل لتین در شیلی، گوستاگوراس در یونان، یلمازگونی در ترکیه و بسیاری دیگر نمونه بارز سینماگرانی هستند که در مهاجرت بهترین آثار خود را با هدف افشای ماهیت علل مهاجرت خود ساخته و در عین حال در پویایی هنر خود کوشیده‌اند. در طول ۱۷ سال حیات رژیم ضد انسانی و هنرکش جمهوری اسلامی در ایران نیز سینماگران بسیاری که نخواستند به سیاست‌های ضد هنری و سانسور رژیم تن دهند مجبور به مهاجرت و اقامت در کشورهای دیگر شده‌اند. سینمای در تبعید ایران سالها بدون تشکل و انسجام فعالیت و هر یک از فیلم‌سازان سعی داشتند به سهم خود و در حد توان خلاقیت‌های هنری خود را به تصویر کشیده که حاصل آن فیلم‌هایی موثر و هنری بوده است. یکی از مشکلات عمده سینمای در تبعید عدم حمایت مالی از فیلمسازان و عدم آشنایی آنها با موسسات پخش فیلم خارج از انحصارات بوده که منجر به عدم بازگشت سرمایه اولیه آنها شده است. بدین جهت همین تعدادی از فیلم‌های ساخته شده علیرغم دارا بودن استانداردها و خصوصیات هنری قابل قبول با مشکل فقدان سرمایه روبرو و دست فیلمسازان را در اجرای بقیه در صفحه ۶

محاکمه مسئولان دو نشریه

مسئولان دو نشریه چاپ تهران در دادگاهی در تهران به دلیل مطالبی که در نشریه خود چاپ کرده‌اند مورد محاکمه قرار گرفتند. رادیو اسرائیل از قول کیمهان ۲۰ آذر می‌گوید: این دو نشریه ماهنامه ادبی - فرهنگی گردون و هفته‌نامه ویدئو - سینما هستند. شاکایتی که از مسئولان گردون به دادگاه شکایت برده‌اند مهدی نصیری و جمعی از شهروندان حزب‌اللهی تهران و بسیج ثارالله معرفی شده‌اند. رادیو اسرائیل اضافه می‌کند که نصیری جوان سی و چند ساله‌ای است که مدت نسبتاً طولانی سردبیر روزنامه تهران را به عهده داشت و در دوران خویش این روزنامه را به بلندگویی حزب‌الله مبدل ساخت. وی اینک سردبیر یک هفته‌نامه افراطی به نام صبح است. نصیری و حزب‌اللهیان شکایت کردند که یک مطلب نشریه گردون موجب توهین به مقام ولایت فقیه بوده است.

اخبار.....

درگذشت بانو ایران دفتری

خانم ایران دفتری، هنرپیشه برجسته تئاتر و سینمای ایران درگذشت. خانم دفتری به هنگام مرگ ۸۳ سال داشت. وی طی سالها فعالیت بازیگری، در نمایشهای بسیاری ایفای نقش کرد که تعدادی از آنها عبارتند از: شیرین و فرهاد، ایده‌آل عشقی، نادرشاه، خاقان می‌رقصد، بلبل سرگشته، خانواده فناشده. وی همچنین در فیلمهای شیرین و فرهاد، شکار خانگی، پریچهر، خوابهای طلایی، یک نگاه، برای تو، مردی که رنج می‌برد، عروس کدومه، عروس دریا، خداحافظ تهران، زیر گنبد کبود، روزهای تاریک یک مادر، بی‌سازمانان، قیصر، سکه شانس، قهرمانان، ایوب، مردان سحر، قلاب، جان سخت، کلبه‌ی آن سوی رودخانه، گذراکبر، شیرینها، بازی کرده است. بانو ایران دفتری پس از انقلاب در هیچ فیلمی بازی نکرده است.

۵ هنرپیشه سینما

از بازی در فیلم ممنوع شدند

کارگاه هنر و فرهنگ پویا در تاریخ ۲۴ نوامبر ۹۵ طی یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کرد که خانم ماهایا بطروسیان به دلیل کشیدن سیگار و خنده بلند هنگام بازی در فیلم، اکبر عبدی هنرپیشه مطرح سینما، رضا شفیع جم، ارژنگ امیرفضلی و نصرالله رادمنش، هر یک به دلایلی برای مدت معینی از بازی در فیلم سینمایی ممنوع شده‌اند. چندی پیش این کارگاه طی یک نامه سرگشاده به پارلمان بین‌المللی نویسندگان در استراسبورگ، به ۲۱ مورد سانسور، سرکوب و فشار رژیم به هنرمندان و نویسندگان اشاره کرده است. در یکی از این موارد با استناد به شماره ۷۷ ماهنامه فیلم گفته شده که رژیم فیلم «یار سرخ» به کارگردانی حمید نیک‌پور، به دلیل «نگاه ناتجربانه دوربین به زن باردار» برای همیشه توقیف شد.

درگذشت استاد ابوالحسن صدیقی

ابوالحسن‌خان صدیقی مجسمه‌ساز بزرگ ایرانی روز ۲۰ آذر ۷۴ در سن ۹۸ سالگی در تهران درگذشت. ابوالحسن‌خان صدیقی بی‌گمان یکی از بزرگترین استادان هنر مجسمه‌سازی معاصر ایران بود و آثاری از او نظیر نادرشاه و سربازانش در آرامگاه نادر، مجسمه ابوعلی سینا در مقبره او در همدان و مجسمه فردوسی در میدان فردوسی تهران از جمله شاهکارهای ماندنی طی سالهای پربار فعالیت‌های هنری اوست. اخیراً نیز سازمان یونسکو کتابی در مورد کارهای او به چاپ رسانده است.

درگذشت آقای طهوری

رادیو بی‌بی‌سی ۲۰/۹/۷۴: «آقای طهوری بنیانگذار انتشارات طهوری روز ۲۰ آذر/۷۴ در اثر سکته مغزی در بیمارستان درگذشت. او بیش از ۴ دهه در ایران خدمات ارزنده‌ای در زمینه انتشار کتاب انجام داد که در اثر تلاش او انتشارات طهوری جایگاه ویژه‌ای در بین سایر موسسات انتشارات کسب کرد.

عاشقانه

— احمد شاملو

آن که می‌گوید دوستت می‌دارم
خینانگر غمگینی‌ست
که آوازش را از دست داده است.
ای کاش عشق را
زبان سخن بود
هزار کاکلی شاد
در چشمان توست
هزار فناری خاموش
در گلوئی من
عشق را
ای کاش زبان سخن بود

آن که می‌گوید دوستت می‌دارم
دل اندوهگین شبی‌ست
که مهتابش را می‌جوید.
ای کاش عشق را
زبان سخن بود
هزار آفتاب‌خندان درخرام توست
هزار ستاره‌گریان
در تمنای من
عشق را
ای کاش زبان سخن بود
۵۸/۴/۳۱

درگذشت خانم طاهره روح‌الله‌پور، مادر هنرمند محبوب آقای عارف را به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می‌گوییم.

مسئول نشریه پیام دانشجو توسط وزارت اطلاعات

رژیم مورد بازجویی قرار گرفت

رادیو اسرائیل در روز ۲۸ آبان گزارش داد که اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان، در آخرین شماره نشریه داخلی خود، که دو هفته پیش انتشار یافت، فاش ساخت که حشمت طبرزدی، مسئول هفته نامه پیام دانشجوی بسیجی، اخیراً به دستور وزارت اطلاعات و امنیت بازداشت و مدت ۹ ساعت با چشمان بسته مورد بازجویی قرار گرفته و به شدت به او اهانت شده است. طبرزدی با سپردن دو میلیون تومان ضمانت نقدی آزاد شد.

بنگاه انتشاراتی نگاه تعطیل شد.

روز ۲۶ آبان، کتابفروشی و انبار انتشارات «نگاه» توسط ماموران رژیم پلمپ شد. این اقدام پس از به آتش کشیدن کتابفروشی و بنگاه نشر کتاب عطار، در خیابان انقلاب، که منجر به نابودی تعداد زیادی کتاب شد، صورت گرفت. هم‌چنین گفته می‌شود جلد هشتم کتاب تاریخ اجتماعی ایران، نوشته مرتضی راوندی، که با مجوز وزارت ارشاد توسط بنگاه انتشاراتی «نگاه» به چاپ رسیده، بیش از ۱۴ ماه است که توقیف است.

تالار مولوی توسط «انصار حزب‌الله» تعطیل شد

تالار مولوی، یکی از سالنهای اصلی نمایش و تئاتر در تهران، به دست عوامل سرکوبگر رژیم تعطیل شد. خبر این حادثه که روز یکشنبه ۲۸ آبان به وقوع پیوست در روز اول آذر توسط روزنامه‌های رژیم اعلام شد.

سینمای در تبعید

از صفحه ۵

طرحهای دیگرش بسته است. در این مورد می‌توان به فیلمهای رضا علامه‌زاده و پرویز صیاد اشاره نمود. لزوم تشکل و مشکلاتی که سینماگران تبعیدی با آن مواجه بودند سبب برگزاری جشنواره سینمای در تبعید ایران گردید. این جشنواره در جهت سینمایی روشنگرانه و مبارز و ایجاد زمینه‌ای جهت بروز خلاقیت‌های هنری از دو سال پیش تشکیل و آغاز به کار کرد. با بررسی ۲ دوره جشنواره می‌بینیم که فیلمسازان جدیدی بدان پیوسته‌اند. اما از نظر کمی و کیفی به نظر می‌رسد تا رسیدن به اهداف جشنواره فاصله زیادی وجود دارد. فیلمهای نمایش داده شده در جشنواره دوم عموماً مربوط به سالهای قبل و به ندرت کار جدیدی ارائه شد، به همین جهت گردانندگان ناچار به استفاده از فیلمهای فیلمسازان کشورهای دیگر و اضافه نمودن یک بخش جنبی به آن شدند. از سوی دیگر گرایشهایی سعی می‌کردند با این تفکر که فیلمسازی به تنهایی هنری است که الزامی به سمت‌گیری علیه سیاستهای سانسور و افشای آن ندارد، فضای جشنواره را از محتوای روشنگرانه علیه سانسور و اختناق حاکم بر ایران و پرداختن به علل تبعید تهی نمایند که مورد اعتراض فیلمسازان قرار گرفت. سینمای در تبعید، بنای تام و تمام سینمای یک کشور در خارج از مرزهای آن نیست، بلکه دقیقاً سینمایی پویا و روشنگرانه فیلمسازی است که جهت ابراز عقاید و خلاقیت‌های هنری خود در مهاجرت بسر می‌برند. با توجه به سیاستهای رژیم هنرکش جمهوری اسلامی در برخورد با جشنواره‌های خارجی، از جمله ارسال فیلمهای ایرانی که به دلیل سانسور و محتوای فیلمها پروانه نمایش نداشته و یا نمایش آنها با اشکال مواجه است با عنوان سینمای ایران، که سعی دارد به بینندگان خارجی الفاء کند که در ایران آزادی هنری وجود دارد، سینماگران در تبعید باید هوشیارانه عمل کرده و اجازه ندهند سینمای در تبعید از مفاهیم اساسی تهی گردد.

یک درویش فرقه خاکساربه سنگسار شد

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ آبان خبر داد که یکی از درویش فرقه خاکساربه، به نام مهدی برازنده، معروف به صفا علی شاه همدانی، در شهر همدان سنگسار شده است. این حکم روز یکشنبه ۱۹ آبان در گورستان شهر همدان به اجرا درآمد. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، حکم سنگسار توسط شعبه هشتم دادگستری همدان صادر شده و به تأیید دیوان عالی رژیم رسیده بود. وی به اعمال منافی عفت متهم شده بود. گفته می‌شود که مهدی برازنده از درویش با نفوذ منطقه مرکزی ایران، به ویژه شهر همدان، بوده است.

سوء قصد

افراد ناشناس خانه مسکونی یکی از کاندیداهای انتخابات آینده ترکیه را که از اعضای حزب اسلاميون سنتی آن کشور است، به رگبار بستند. حتمی حتمی کاندیدای جنبش اسلامی ترکیه از سوء قصد جان سالم به در برد. انتخابات پارلمانی ترکیه روز یکشنبه ۲۴ دسامبر ۹۵ برگزار خواهد شد.

دیدار دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی و هیئت شورای ملی مقاومت ایران

ضرورت تشدید مبارزه تبلیغاتی و سیاسی و دیپلماتیک برای فراهم کردن زمینه سرنگونی هرچه سریعتر این رژیم.

۲- محکومیت هرگونه تمایل سازشکارانه و مذاکره جویانه در صحنه سیاسی ایران با این رژیم که در تمامیت خود بایستی طرد و تحریم شود. هرگونه مذاکره و سازش با این رژیم از سوی هر فرد یا جریان سیاسی، خیانت به عالیترین مصالح جنبش مقاومت سراسری و منجمله جنبش مقاومت مردم کردستان است.

۳- مردم کردستان ایران مانند سایر مناطق ایران سالهای طولانی است که دیکتاتوریهایی سلطنتی و آخوندی را نفی نموده و تنها پذیرای آلترناتیو دموکراتیک و مستقل می‌باشند.

۴- التزام به حقوق حقه خودمختاری مردم کردستان ایران براساس طرح شورای ملی مقاومت که به پیشنهاد حزب دموکرات کردستان و با امضاء کلیه اعضای شورا به تصویب رسیده است. حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی، این طرح را در رابطه با شورای ملی مقاومت و وظایف مبرم آن، تضمین احقاق حقوق مردم کردستان ایران تلقی می‌کند.

۵- تأکید بر اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی مربوط به آن در ایران فردا که اهم آن در اسناد شورا و نیز در منشور آزادیهای اساسی توسط خانم مریم رجوی در گردهمایی ایرانیان در دورتموند اعلام شده است.

۶- محکومیت هرگونه دخالت و تحریکات رژیم آخوندی و پاسداران و مزدورانش در کردستان و سایر نقاط عراق که عملاً با اهداف تروریستی علیه اپوزیسیون ایران و نیز بر ضد مصالح مردم کردستان ایران و مردم کردستان عراق صورت می‌گیرد.

دو طرف برآنند که وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی، بحرانهای همه جانبه درونی حاکمیت آخوندی، خیزشهای مردم در شهرها و مناطق مختلف ایران، حاکی از تسریع روند سرنگونی این رژیم است و از این رو ضرورت استمرار و ارتقاء روابط فیما بین و همکاری و اتحاد عمل مبارزاتی همه جریانها و نیروهایی را که به اصول اعلام شده بالا پای بند هستند، مورد تأکید قرار دادند.

جلیل گادانی

دبیرکل حزل دموکرات کردستان ایران -

رهبری انقلابی

محمدرضا روحانی مسئول کمیسیون امور

ملیتهای شورای ملی مقاومت ایران

روز پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۳۷۴، کاک جلیل گادانی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی و آقای فرهاد کردپور از مسئولین تشکیلات حزب در اروپا با هیئتی از شورای ملی مقاومت ایران در پاریس دیدار و گفتگو کردند.

هیئت شورا در این دیدار متشکل از آقایان محمدرضا روحانی مسئول کمیسیون امور ملیتها، مهدی ابریشمچی، مسئول کمیسیون صلح و محمدرضا جابریزاده، مسئول کمیسیون مطالعات سیاسی و آقای محسن رضایی دبیر شورا، سلامها و بهترین آرزوهای آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت را به آقای جلیل گادانی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی ابلاغ کرد و از سوی شورای ملی مقاومت به عنوان تنها جایگزین دموکراتیک و ملی رژیم ضد انسانی خینی، برای دفتر سیاسی، کمیته مرکزی، کادرها و پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی، در مبارزه عادلانه‌شان در جهت احقاق حق خودمختاری مردم کردستان ایران و سرنگونی رژیم خینی آرزوی موفقیت نمود.

آقای جلیل گادانی ضمن ابراز سلامهای رهبری و اعضای حزب به رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت و کاک مسعود رجوی مسئول شورا و همزمانشان، برای همه آنها صمیمانه آرزوی موفقیت کرد و اظهار داشت برگزاری جلسات متعدد همستگی با مشارکت انبوه مردم در کشورهای مختلف و سخنرانی شجاعانه و مسئولانه خانم رجوی برای شرکت کنندگان در گردهمایی دورتموند آلمان، نقطه عطفی در هماهنگی مبارزاتی اقتضار مختلف ایرانیان در ضدیت با رژیم بوده است. او همچنین سفر خانم رجوی به نورز را موفقیت‌آمیز اعلام نمود. آقای جلیل گادانی معانعت از سفرهای وزاری رژیم به چند کشور اروپایی در ارتباط با ترویج آشکار تروریسم دولتی از سوی آخوندها و پیگیری دادستان کل آلمان در مورد دست داشتن فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم در ترور ایرانیان مخالف رژیم را شروع طرد علنی و به انزوا کشیدن حاکمیت آخوندی در عرصه بین‌المللی توصیف کرد. دو طرف از سوی شورای ملی مقاومت ایران و حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی موارد زیر را به عنوان اصول و مواضع مشترک مورد تأکید مجدد قرار دادند:

۱- پایبندی به مبارزه قهرآمیز ملی و میهنی برای سرنگونی رژیم آخوندی که دشمن اصلی تمام مردم ایران اعم از فارس و کرد و دیگر ملیتها و مذاهب و ادیان است. رژیمی که از دیدگاه جهانیان مهمترین کانون ترویج و صدور تروریسم بین‌المللی به حساب می‌آید. همچنین تأکید بر

درگذشت گلوریا مارتین

بقیه از صفحه ۱۶

و تبعیض علیه همجنس‌گرایان و تمامی اقلیت‌های موجود در جامعه سرمایه‌داری در روز ۲۲ نوامبر امسال به علت سرطان در سن ۷۹ سالگی درگذشت. به همین مناسبت روز یکشنبه ۱۷ دسامبر، مراسم باشکوهی در بزرگداشت این زن

قهرمان در سیاتل با حضور بیش از دویست تن از فعالین چپ، از جمله سازمان پلنگهای سیاه، وسایردستان و همزمان وی برگزار شد. هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ونکوور، کمیته دفاع از پناهنده و رادیو ارس در پیام مشترکی درگذشت گلوریا مارتین این مبارز انقلابی و سوسیالیست فمینیست به سازمان ESP، RW و خانواده‌اش تسلیت گفته شد.

یاد تمامی مبارزین کمونیست، که در راه آزادی زحمتکشان جهان، مبارزه کردند و هم اکنون در بین ما نیستند، گرمی باد و راهشان پررهرو.

فعالیت مشترک به سبک آمریکایی

منصور امان

چندی پیش رضا پهلوی و منوچهر گنجی با امضای یک توافقنامه موجب پدید آمدن جنجال وسیعی در میان طیفهای مختلف سلطنت طلب گشتند. توافقنامه مذکور خطوط سیاسی مشترک این دو در رابطه با مسائلی همچون «حساسیت اوضاع ایران»، «تماس با دولت‌های اروپایی و امریکا»، تجلیل از بختیار و در نهایت خودمختاری کردستان و تشکیل پارلمان محلی را منعکس می‌ساخت.

شناسایی حق خودمختاری کردستان از طرف جریان‌هایی که به طور سنتی در پس هر مطالبه دموکراتیک «دست خارجی» می‌بینند و «نغمه تجزیه طلبی» می‌شوند به حق برای طرفدارانش به مثابه یک شوک تلقی گردید. اما واکنش شتابزده طرف اصلی بیانیه مذکور یعنی رضا پهلوی، نگرانی سینه چاکان «آب و خاک» را موقتاً برطرف ساخته و در عین حال آب پاکی هم روی دست آن عده از هواداران شرمگین سلطنت که در پی کشتیدن ردای مشروطه بر دوش دستگاه زمخت پادشاهی هستند ریخت.

رضا پهلوی در مصاحبه‌ای با کیهان چاپ لندن برای «حساسیت به حق هموطنان نسبت به واژه خودمختاری» اظهار تفاهم کرده و گناه قید این کلمه را متوجه «ترجمه متن انگلیسی» نمود. وی در عین حال تأکید نمود که «معتقد به لزوم انتشار بیانیه مشترک» نیست و «در این مورد هم به هیچ وجه قصد صدور بیانیه‌ای یا ایجاد جنبه مشترک در میان نبود». وی در حقیقت با اشاره به نکته اخیر به انتقادات دیگری که صدور توافقنامه با رهبر یک گروه سیاسی را تنزل «مقام سلطنت» از جایگاه فرامشهورندی خویش ارزیابی می‌کردند نیز پاسخ داد.

اظهارات توجیهی رضا پهلوی هم‌زمان موجب برانگیختن سؤالات دیگری می‌گردد از جمله: با توجه به مواضع روشن و شناخته شده دستگاه سلطنت و پیروان آن راجع به اساسی‌ترین نهاد‌های جامعه مدنی، تحت چه شرایطی و به کدام دلیل مشخص وی موضوع به قول خود «حساس» می‌هم چون خودمختاری کردستان را آن هم به شکلی سوء تفاهم برانگیز در بیانیه مشترک خود با گنجی گنجانیده است؟ چرا اعلامیه مشترک و آن هم مشخصاً با گنجی؟ و سرآخر به کدام دلیل منطقی دو فرد فارسی زبان متن اصلی بیانیه‌ای در رابطه با مسایل کشور خود را به انگلیسی می‌نویسند؟

در صفحه ۸

اعتصابهای گسترده در فرانسه

به دنبال ۲۳ روز اعتصابهای گسترده در فرانسه به خصوص اعتصاب کارکنان مترو، قطار و خطوط اتوبوسرانی که رفت و آمد در شهرهای بزرگ این کشور را به حالت فلج درآورده بود، با خاتمه اعتصابها رفت و آمد مترو و قطارها تدریجاً در حال بازگشتن به حالت عادی است.



توسعه در جهان سوم (۱)

ناصر ربیعی

مقدمه: در شرایطی که جهان سالهای آخر قرن اتم را می‌گذراند و خود را آماده ورود به قرن بسیار پیچیده‌تر بیست و یکم می‌نماید، هر روز صبح در بسیاری از کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، مردم در شرایطی از خواب بیدار می‌شوند که نه تنها اطلاعاتی از ورود قریب الوقوعشان به عصر کامپیوترهای مرموز ندارند، بلکه حتی نمی‌دانند که وقتی با بیل کشاورزی‌یشان در سحرگاهان برای کار روی قطعه زمین کوچکی که از پدر به ارث برده‌اند حرکت می‌کنند و یا وقتی با اتومبیل به محل کارشان می‌روند، اعمال آنها می‌تواند توسط ماهواره‌های جاسوسی ثبت و ضبط شود.

در طول تاریخ چند هزار ساله تمدن، جهان هیچگاه این چنین نابرابر نبوده است. شکاف بین خوشبختها و بدبختها آن قدر عمیق است که به نظر می‌رسد برای انضاج جهان نیازی به استفاده از بعب اتمی وجود ندارد.

این شکاف عظیم بین کشورهای ثروتمند و فقیر و بین طبقات ثروتمند و فقیر در کشورهای در حال توسعه و یا عقب مانده در سالهای اخیر از موضوعات مهم بخشهای اقتصادی بوده است. این که چرا این شکاف وجود دارد و آیا اساساً تعالی به رفع این نابرابری وجود دارد و ارتباط آن با توسعه جهانی و نیز توسعه در کشورهای جهان سوم چیست، موضوع اصلی این مقاله است که بیشتر جنبه بررسی داشته و نگاهی کلی به جهان سوم دارد.

جهان سوم: بررسی عینی اجمالی

مردم مختلف بر حسب علائقشان معمولاً به بخشهای خاصی از جهان توجه و علاقه نشان می‌دهند. فرض کنیم شما به امریکای لاتین علاقه

در باره مجمع عمومی ملل متحد

سازمان ملل در اولین روز کار خود همچنین روسای کمیته‌های ششگانه خود و دو نفر از معاونین آن را انتخاب می‌کند. این کمیته‌ها عبارتند از:

- کمیته اول - خلع سلاح و موضوعات مربوط به امنیت بین‌المللی
- کمیته دوم - اقتصادی و مالی
- کمیته سوم - حقوق بشر و موضوعات اجتماعی، فرهنگی و انسانی
- کمیته چهارم - سیاسی ویژه و مسائل مربوط به استعمارزدایی

کمیته پنجم - بودجه و اداری

کمیته ششم - حقوق بین‌المللی

اساس پنجاهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد با شرکت سران ۱۸۰ کشور در نیویورک برگزار شد. در همین دوره کاری مجمع عمومی است که رژیم جمهوری اسلامی به خاطر نقض حقوق بشر محکوم می‌شود. پروسه کاری بدین قرار است که هر قطعنامه بستگی به موضوع آن در یکی از کمیته‌ها مطرح و اگر تصویب شد به مجمع عمومی ارائه می‌شود. طی سالهای اخیر رژیم ایران همواره در کمیته سوم محکوم و پس از یک هفته مجمع عمومی قطعنامه کمیته سوم را تأیید کرده است.

مجمع عمومی ملل متحد هر سال در سومین سه شنبه ماه سپتامبر اجلاس سالانه خود را آغاز و پس از سه ماه و در پایان سال میلادی به کار خود پایان می‌دهد.

از اولین روز کاری هفته دوم اجلاس «بحث عمومی» آغاز و تا سه هفته ادامه می‌یابد و به استماع سخنان رهبران و مقامهای کشورهای عضو ملل متحد اختصاص دارد.

مجمع عمومی ملل متحد در اولین روز کاری خود اقدام به انتخاب رئیس مجمع عمومی و معاونان وی و همچنین روسای کمیته‌های ششگانه مجمع عمومی می‌کند. ریاست مجمع عمومی به صورت دوره‌ای بین گروههای جغرافیایی می‌چرخد.

در آغاز اولین جلسه کار ۲۲ معاون رئیس مجمع عمومی که به صورت دوره‌ای جلسات مجمع عمومی را در غیاب رئیس مجمع اداره می‌کنند، انتخاب می‌شوند. ۶ معاون از بین کشورهای آفریقایی، ۵ معاون از بین کشورهای آسیایی، سه معاون از بین کشورهای آمریکای لاتین، دو معاون از اروپای غربی و یک معاون از اروپای شرقی انتخاب می‌شوند. پنج عضو دائم شورای امنیت نیز بدون انتخاب و براساس آئین‌نامه مجمع عمومی به عنوان معاون رئیس مجمع تلقی می‌شوند. مجمع عمومی

فعالیت مشترک به سبک آمریکایی

از صفحه ۷

آقای گنجی طی دو مصاحبه با «نیمروز» و «صور اسرافیل» به بخشی از این پرسشها داوطلبانه و به برخی دیگر ناخواسته پاسخ می‌دهد، او از جمله گفت: «ملاقات من و شاهزاده رضا پهلوی به دعوت آقای تیمرن انجام گرفت». گنجی تیمرن را اینگونه معرفی می‌کند: «او بیشتر نویسنده وال استریت جورنال» بوده و مدتی به عنوان دستیار یکی از سناتورهای کار می‌کرده و در نتیجه به محافل سیاسی واشنگتن آشنایی کامل دارد. او به دلایلی که من نمی‌دانم به مسایل ایران علاقمند شده و نشریه «ایران بریف» و خبرگزاری «ایران فکس» را به وجود آورده است. وی نیز به سوءتفاهم در مورد کاربرد واژه خودمختاری اشاره کرد و گفت منظور اصلی بیانیه همان انجمنهای ایالتی و ولایتی است.

گنجی در مورد موضوع مورد مشاجره مشترک بودن یا نبودن بیانیه توضیحاتی می‌دهد که به یافتن پاسخ آخرین سوال ما کمک شایانی می‌نماید. توجه کنید: «او (تیمرن) پس از شنیدن مطالب شاهزاده رضا پهلوی و من در مورد لزوم همبستگی ایرانیان آزادیخواه و ملی‌گرای داخل و خارج، بخصوص در این زمان خاص و حساس از مبارزات ملت ایران گفت: «شما که با یکدیگر در (مورد) مسایل و آینده ایران و نوع حکومت آن تا این حد اتفاق نظر دارید پس چرا به طور علنی این توافق و تفاهم خود را اعلام نمی‌دارید تا دیگران نیز به شما پیوندند و یک حرکت وسیع ملی در داخل و خارج ایران به وجود آید». ما هر دو نظر او را تایید کردیم و در نتیجه به اتفاق طرح توافقنامه تهیه و امضاء شد و متن آن به انگلیسی برای اولین بار توسط خبرگزاری ایران فاکس در واشنگتن مخابره شد».

بنابراین اظهارات می‌توان چگونگی امضاء توافقنامه مورد بحث را در یک جمله خلاصه کرد: فردی به نام کنت تیمرن ترتیب ملاقاتی میان گنجی و رضا پهلوی را داده و حاصل جلسه را در بیانیه‌ای از کانال خبری خود انتشار می‌دهد. اما تیمرن کیست و چه عاملی او را به چنین توجه فشرده‌ای به مسایل ایران سوق می‌دهد؟ پاسخ به این پرسش ماهیت بیانیه فوق‌الذکر و نیز علت فاصله گرفتن بعدی امضاء کنندگانش از آن را توضیح خواهد داد. او علت علاقمندی در بهترین حالت غیر عادی خود به موضوعات مربوط به ایران و از جمله اپوزیسیون سلطنت‌طلب را اینگونه توضیح می‌دهد: «من به عنوان یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای به مسایل ایران علاقه دارم ... بیش از ده سال در تماس با جامعه تبعیدی ایران بوده‌ام. انتشار ایران‌بریف هم یک کار صرفاً تجارتي است. این شغل من است. حق اشتراک نشریه‌ام را سالی هزار دلار می‌فروشم و مشترکان ما محل تامین هزینه‌های ما هستند».

البته ما نمی‌خواهیم از یاد ببریم آقای گنجی علت علاقه تیمرن را «دلایلی که من نمی‌دانم» ذکر کرده بود و شاید دقیقاً بنا به همان دلایل نگفتنی است که کنت تیمرن اینگونه متواضعانه در معرفی خود شکسته نفسی می‌کند. اما قابل تصور نیست رضا پهلوی که خود را وارث تاج و تخت محسوب می‌کند و گنجی که به همین ترتیب درفش

کاوایانی و پرچم «حقوق بشر» را به دوش می‌کشد، به دعوت یک «روزنامه‌نگار» معمولی و آن هم غیر ایرانی با یکدیگر ملاقات کنند، به او اجازه حضور و شرکت در گفتگوهایشان را بدهند، به پیشنهاد او پای یک بیانیه امضاء بگذارند و سرآخر بدون کنترل متن تهیه شده آن را برای انتشار در اختیارش بگذارند!

آقای تیمرن که بنا به گفته گنجی «به محافل سیاسی واشنگتن آشنایی کامل دارد» یقیناً در ارتباط با این محافل و تحت نظارت آنها این سناریو را طرح‌ریزی و به اجرا درآورده است. پس از تغییر سیاست مهاب دوجانبه و تمرکز سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا روی حل مسئله رژیم ملاحا، تلاشهای بسیاری از جانب گرایشات ایران‌گیتی در دولت و مجلسین آمریکا برای تضعیف اپوزیسیون و آلترناتیو دموکراتیک رژیم ملاحا یعنی شورای ملی مقاومت صورت گرفت. این تلاشها که در یک کادر هماهنگ جریان داشت و دارد، ابتدا از مجاری مختلف در پی سد کردن شناسایی بین‌المللی مقاومت و محدود نمودن دایره عمل آن در صحنه‌های دیپلماتیک و سیاسی بود. مهمترین دستاورد گرایشات مزبور در گزارش وزارت امور خارجه به کنگره آمریکا منعکس می‌شود. در این گزارش سازمان مجاهدین، نیروی اصلی جنبش مقاومت به تروریسم و استفاده از روشهای تروریستی متهم گردید. به موازات این سیاست، تلاش برای تقویت جریانات گوش به فرمان هوادار سلطنت با هدف ایجاد یک وزنه سیاسی هم‌اورد در برابر مقاومت آغاز گردید. پرستیژ بخشی کلیتون به رضا پهلوی در یک رستوران! نمونه‌ای از این فعالیتهاست.

با یک نگاه دقیقتر به ماجرای سه تفتنگدار (رضا پهلوی، گنجی و تیمرن) می‌توان به خوبی دریافت که اکنون گرایشات مورد اشاره ما در پی شکل دادن سیاسی و تشکیلاتی به این آماتورهای تاج نشان هستند. تازه کار به این دلیل که اولاً آنان توانایی یافتن موضوعاتی که باید روی آنها کار بکنند را ندارند، ثانیاً با کار مشترک بیگانه هستند و ثالثاً سر نخ را با اولین مورد اختلاف بدون چشم‌داشت ضرر- لو می‌دهند.

تیمرن فقط توانست در مورد نخستین پیشرفت‌هایی داشته باشد او و همفکرانش در «محافل سیاسی واشنگتن» در ارزیابی ظرفیت انعطاف سلطنت‌طلبان دچار اشتباه فاحشی گردیدند. به خوبی پیداست که گنجانیدن مسئله کردستان در بیانیه مشترک، کوششی در جهت یافتن متحدینی در آن سوی مرزبندیهای سیاسی هواداران پادشاهی بوده است. نیرویی که به اتکاء وزنه سیاسی و نظامی خود قادر باشد بر بار تبلیغی و نیز بر میدان مانور آنها بیافزاید. از طرف دیگر این تاکتیک می‌توانست در دراز مدت در مرمت چهره واپس‌گرایانه و ضد دموکراتیک شاه‌الهی‌ها هم نقش داشته باشد. امری که به نوبه خود امکان نزدیکی جریانات طیف راست را بدون هراس از لکه‌دار شدن دانشان تا حدودی فراهم می‌آورد.

پاسخ به این پرسش که آیا هنوز جریانی می‌تواند وجود داشته باشد که بدون در نظر گرفتن سابقه، تفکر و عملکرد سلطنت‌طلبان، خود را برای مصارف ایران گیتی‌ها عرضه کند. موضوع مستقلی است که باید در جای دیگری بدان پرداخت، فقط به این هشدار بسنده که بدا به حال آن مردمی که به زور خود را در دستان فرد بدنامی چون گنجی، یک دلال سیاسی مستعمره‌جو

و خاندان تجزیه‌شده پهلوی به رای بگذارند. اما تا آنجا که به گنجی و رضا پهلوی مربوط می‌شود آنها بلافاصله پس از اولین نغمه‌های اعتراض در صفوف شاه‌مداران مومن به سنت، نه تنها مندرجات بیانیه خود را تکذیب کردند بلکه با همان رُستمای قدیمی به مضار تجزیه و فوائد یکپارچگی پرداختند.

بدین ترتیب هدف مقدمی که ملاقات مذکور می‌بایست برآورده نماید در جنجالی از اعتراض و تکذیب و پرده‌داری به کلی محو گردید. اما تیمرن ناچار به پذیرش شکست دیگری نیز شد و آن اینکه حتی اصل بیانیه مشترک نیز از طرف رضا پهلوی زیر سوال رفت. او در مصاحبه خود با «کیهان لندن» گفت که اصولاً با دادن بیانیه مشترک موافق نیست و گناه انتشار آن را به نحوه انعکاس نسبت داد. با توجه به چنین سبک کاری که دایره اتحاد عمل در آن حتی یک نشست معمولی را هم در بر نمی‌گیرد و افق استراتژیک آن از نوک دماغ «شاهزاده» فراتر نمی‌رود می‌توان حدس زد که روزهای دشواری در انتظار آقای تیمرن و دوستان است!

هیاهوی «بیانیه» اما به همین‌جا ختم نمی‌شود. منوچهر گنجی در مصاحبه خود با «نیمروز» در تلاش برای فرار به جلو، علناً به مزدوری برای سازمان جاسوسی آمریکا اعتراف کرد. البته در این میان شاید حتی خواجه حافظ شیرازی هم پی برده بود که آقای گنجی کارمند سرویس مربوطه بوده و منظورش از «حقوق بشر» همان «موجب من» است که به دلار پرداخت می‌شود! اما استدلال او در توجیه خیانت به «آب و خاک» تلقی صریح کاست رهبری هواداران سلطنت از «وطن‌دوستی» را متبلور می‌سازد. گنجی می‌گوید: «همه (پول) می‌گیرند» و البته از این هوشیاری برخوردار هست که تحت پوشش حمله به سازمان ما، مجاهدین و کنفدراسیون که بنا به ادعای مضحک او از جنبه مخالف کمک دریافت می‌کرده‌اند، به طور غیر مستقیم به «خودی‌ها» یادآوری کند که بیش از حد روی مسایل شغلی و مالی او متمرکز نشوند و نقش الهه درستکاری را بازی نکنند و گرنه ناچار می‌شود قدری «همه» را بشکافد.

بیانیه مشترک رضا پهلوی و منوچهر گنجی، چگونگی به مرحله انجام درآمدن آن، دست اندرکارانش، اهداف و نتایج آن بر چند واقعیت تجربه شده مهر تایید دوباره می‌زنند: گرایش سلطنت‌طلبان کماکان تابع منویات و منافع دول خارجی‌ست. با لطف و مرحمت آنها جان گرفته و با قهر و عناب‌شان رو به خاموشی می‌رود. این جریان تا مغز استخوان مستبد و بیگانه با ساختار و نهادهای جامعه مدنی معاصر است. تحركات اخیر آنان در چارچوب سیاست عمومی ایران گیتی‌های وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفته و به هیچ عنوان رو به ایران و حل مسایل آن ندارد. کما اینکه واقعیات آشکار شده در باره شاه کار اخیر آنها (بیانیه کذابی) جای هیچگونه تردیدی در نقش‌شان به عنوان ابزار فشار برجای نمی‌گذارد. مسیر یک ایران دموکراتیک و آزاد بی‌شک از کردیدورهای فلان سرویس و بهمان موسسه استعماری نمی‌گذرد و امروز کمتر از هر زمان دیگر می‌توان جریان چنین خط مشی را به عنوان شخصیت مستقل و اپوزیسیون به کسی قالب کرد. آنها که در این تلاشند آب در هاون می‌کوبند.

توسعه در جهان سوم

صفحه ۷

جامعه‌شناسی به یک اقتصاد نوین و مدرن تبدیل گردید.
گیر پاسخ همه اینها توسعه است پس در درجه اول باید دانست مفهوم توسعه چیست.

مفهوم توسعه

پیش از آن که بخواهیم مفهوم و معنای توسعه را بشکافیم درک این نکته ضروری است که اگر فعالیت‌های اقتصادی داخل یک جامعه مشخص بر سایر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه تأثیر می‌گذارد و به طور متقابل از آن تأثیر می‌پذیرد، نهادها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن نیز با نظام اقتصادی بین‌المللی و آنچه که اصول رهبری جهانی خوانده می‌شود به شدت مرتبط هستند. این ارتباط و تأثیرپذیری به ویژه پس از انقلاب صنعتی در اروپا، شکل خاصی از روابط را به وجود آورده که امروز آن را پدیده «سلطه و وابستگی» می‌نامیم. این پدیده چه در اشکال آشکار آن همانند انتقال تکنولوژی، سرمایه‌گذاری و کمک‌های خارجی از طرف نهادهای مورد حمایت جهان از نظر اقتصادی پیشرفته و چه در نوع نسبتاً مخفی‌تر سیاسی و فرهنگی آن که به صورت الفاء ارزشها و طرز تفکرات و نهادها و قوانین و حتی تعیین نظام سیاسی رخ می‌نماید بایستی در پروسه تعریف توسعه مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر بدون بررسی پدیده وابستگی در واقع غیر ممکن است که بتوان در باره توسعه جهان سوم گفتگو کرد. در عین حال باید یادآور شد که نیاز کشورهای صنعتی به منابع خام عظیم موجود در کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده به ویژه در زمانی که آنها قادر شوند فعالیت‌های خود را هماهنگ سازند می‌تواند عامل مهمی در جهت تغییر نظام اقتصادی بین‌المللی کنونی محسوب گردد.

... بیش از یک صد و چهل کشور جهان امروز، به عنوان کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته و یا عقب‌مانده شناخته شده‌اند. اگر چه آنها دارای شرایط اقلیمی، فرهنگی و ساختاری اجتماعی و سیاسی متفاوتی هستند ولی وجه مشترک همه آنها عدم توسعه یافتگی است که نمودهای آن را در اشکال زیر می‌توان دید:

۱. فقر و سطح پایین زندگی و عدم توزیع عادلانه درآمد
۲. نرخ بالای زادوولد
۳. بیکاری
۴. سطح پایین آموزش و بهداشت
۵. وابستگی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌المللی

در دهه های اول نیمه دوم قرن بیستم، توسعه مفهومی مترادف با رشد اقتصادی داشت و تلاش همه جانبه کشورهای عقب‌مانده برای دستیابی به توسعه به واردات الگوها و مدل‌های توسعه‌ای محدود گشت که غالباً از طرف اقتصاددانان کشورهای از نظر اقتصادی پیشرفته تحویز می‌شد. گرچه این الگوها موجب پیشرفت اکثر کشورهای غربی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شد، ولی به لحاظ عدم انطباق آنها با شرایط خاص گروه‌های عقب‌مانده تقریباً تمامی آنها به شکست انجامید و شکاف بین کشورهای شمال و جنوب نه تنها کاهش

انتخاب مردم کشورهای جهان سوم و لاجرم چگونه منجر به مشارکت بیشتر آنها در روابط اقتصادی بین‌المللی می‌گردد. هم چنین رابطه مستقیمی بین سطح پایین تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه و توزیع ناعادلانه درآمد وجود دارد. به این معنی که هرچه سطح درآمد سرانه پایین‌تر باشد و این درآمد نیز به نحوی نابرابر بین مردم تقسیم شود، تقاضا و تولید تحت تأثیر درخواست‌های طبقه قدرتمند و ثروتمند قرار می‌گیرد. در یک کشور جهان سومی مانند ایران که از درآمد سرانه پایینی برخوردار است با آن که طبقه ثروتمند درصد کوچکی از جمعیت را تشکیل می‌دهد قدرت خرید مسلط آنان می‌تواند سمت و سوی تولید و واردات را بر اساس نیازهای زندگی تجملی خود تعیین نماید. در این شرایط است که در حالی که اکثریت مردم در کار تهیه و فراهم آوردن قوت روزانه خویش دست و پا می‌زنند، آخرین پدیده‌های تکنولوژیکی و الکترونیکی جهان صنعتی به وفور و به راحتی در بازار یافت می‌شود.

فقر: توزیع جغرافیایی

قبل از تدوین هرگونه برنامه جهت مبارزه با فقر باید شناخت مشخصی از ماهیت و موقعیت گروه‌های فقیر جامعه داشت. آمارها نشان می‌دهند که در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بین ۷۰ تا ۸۰ درصد گروه‌های فقیر در روستاها زندگی می‌کنند. به طور کلی زندگی را از طریق کشاورزی معیشتی و فعالیت‌های وابسته به آن، چه به صورت زارعین کوچک و یا کارگران کشاورزی می‌گذرانند. بخشی از آنها نیز در اثر فشار فقر به حومه شهرهای بزرگ کوچ کرده و به فعالیت‌های خدماتی نازلی مانند خرده‌فروشی و دوره‌گردی مشغولند.

تامین نیروی انسانی در مدل‌های توسعه که قبلاً موجب رشد تاریخی کشورهای از نظر اقتصادی پیشرفته را فراهم آورده بود و براساس مهاجرت روستائیان به شهرها و اشتغال در مراکز صنعتی استوار بود الزاماً با نیازها و شرایط کشورهای جهان سوم که آن مدل‌ها را به عنوان الگوی توسعه مورد استفاده قرار داده‌اند منطبق نگردید و به غلط موجب تخصیص قسمت عمده هزینه‌های دولتی به بخش شهری گردید. این جانبداری از بخش صنعتی شهری چه به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم اقتصادی و چه در زمینه‌های آموزش، بهداشت و سایر خدمات تکمیلی از نقاط ضعف مطلق مدل‌های وارداتی توسعه بود.

بنابراین هرگونه سیاستی در جهت امحاء فقر با توجه به توزیع کمی گروه‌های فقیر در سطح روستاها باید تا حدود زیادی مقدماً به سوی توسعه روستایی و توسعه بخش کشاورزی به طور خاص طرح‌ریزی شود.

رشد اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد: اهداف متضاد؟

از سوی مبلغین کاپیتالیسم با هدف کنترل و حفظ قدرت و ثروت در دست گروه‌های ممتاز سالها این نظریه تبلیغ می‌شد که درآمد بالای اشخاص ثروتمند شرایط لازم را برای پسانداز ایجاد می‌کند و این پسانداز موجب رشد سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌گردد. پس ظاهراً اقتصادی که با توزیع بسیار نابرابر درآمد مشخص می‌شود و فقرا تمام درآمد ناچیزشان را صرف خرید کالاها مصرفی می‌کنند، این اقتصاد پسانداز بیشتری خواهد داشت و منابع بیشتری را

نیافت بلکه به طور قابل توجهی افزایش نیز یافت. امروزه دیگر کارشناسان توسعه متقاعد شده‌اند که گرچه پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است ولی توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست، بلکه جریان چند بعدی است که بدون تجدید سازمان مجموعه ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک کشور، دستیابی به آن غیرممکن است. هم چنین باید توجه داشت که تغییر این ساختارهای ملی جدا از تلاش در جهت تغییر نظام بین‌المللی نیست چرا که فرآیند دوگانه کشورهای ثروتمند و طبقات قدرتمند داخل یک کشور پدیده‌های جداگانه‌ای نیستند. حال که خصوصیات مشترک کشورهای عقب‌مانده را برشمردیم به تحلیل یکایک آن می‌پردازیم:

۱- مسئله فقر و توزیع درآمد

به طور قطع یکی از مشخصه‌های مهم کشورهای جهان سوم، فقر و به طور خاص فقر اقتصادی است. همان طور که گفته شد در دهه‌های قبل کشورهای فقیر تأکید اصلی را بر مسئله رشد گذارده بودند و افزایش بی‌چون و چرای «تولید ناخالص ملی» هدف مقدس این کشورها را تشکیل می‌داد. حال آن که اکنون مشخص شده است که رشد اقتصادی وسیله‌ای است جهت دستیابی به اهداف توسعه که می‌تواند مشتمل بر امحاء فقر مطلق از طریق توزیع عادلانه درآمد ملی، گسترش فرصت‌های اشتغال، گسترش امکانات آموزشی و... باشد از همین روست که اخیراً بیشتر گروه‌های توسعه‌نیافته در تلاش بوده‌اند تا ضمن «افزایش تولید ناخالص ملی» توجه به فقر و نابرابری را نیز جزء موضوع اصلی برنامه‌های توسعه خود قرار دهند. به طور ساده رابطه اتکا ناپذیر رشد اقتصادی و توزیع درآمد با آنچه که درک واقعی از «توسعه» است نشان می‌دهد که الزاماً آنچه مهمتر است این نیست که یک کشور جهان سومی تا چه حد موفق به افزایش تولید ناخالص ملی و با درآمد سرانه به طور مجرد شده است بلکه آنچه اهمیت حیاتی دارد و می‌تواند سرنوشت یک برنامه توسعه را رقم زند این واقعیت است که: «چه کسی، چه مقدار، و چه چیزی را به دست می‌آورد».

کشوری که رشد اقتصادی بالایی داشته ولی در توزیع عادلانه فواید آن قصور کرده است در دستیابی به اهداف توسعه موفقیت کمتری داشته است تا کشوری که از نرخ رشد اقتصادی پایین‌تری برخوردار بوده ولی درآمد حاصل از آن رشد را بین بخش وسیعتری از جمعیت خود توزیع کرده است.

پس چنانچه بپذیریم که هدف از اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم، دستیابی به اهداف انسانی از جمله ریشه‌کن کردن و یا کاهش میزان فقر است باید این را نیز بپذیریم که مرکز ثقل کلیه مسائل توسعه و در واقع هدف اصلی سیاست توسعه می‌باید مبارزه با نابرابری‌های در حال رشد و فقر گسترده و پاسخگویی به مطالبات عام توده‌ای از طریق توزیع عادلانه‌تر درآمد ملی باشد.

اهمیت درک این موضوع وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که دریابیم چگونه توزیع عادلانه درآمد ملی منجر به از بین رفتن نابرابری قدرت، موقعیت، شرایط کار و غیره در داخل یک جامعه ملی شده و چگونه موجب افزایش اعتماد به نفس و آزادی

توسعه در جهان سوم

از صفحه ۹

دوبرابر تعداد جوانان و کودکان را تغذیه کنند و هرچه این رشد جمعیت ادامه یابد منابع و امکانات موجود باید بین بخش وسیعتری از جمعیت جوان و غیر مولد تقسیم شود که این به خودی خود امکان بهره گیری مناسب از آن امکانات را برایشان محدود می‌سازد و این به نوبه خود موجب فقر آموزش و بهداشت گردیده و بر مسئله کنترل جمعیت در نسل خودشان تأثیر منفی خواهد گذاشت.

- دیدگاه اقتصادی دیگری که در رابطه با رشد جمعیت جهان مطرح است مسئله رشد جمعیت و ارتباط آن با منابع محدود جهان است. کشورهای غربی که معمولاً پرجمع‌دار مبارزه با رشد جمعیت جوامع فقیر جهان سوم هستند این طور عنوان می‌کنند که منابع جهان اجازه تأمین نیازهای جمعیت کنونی را نمی‌دهد و رشد جمعیت را عامل فقر، تخریب محیط زیست و سوءتغذیه می‌دانند. آن چه طرفداران این استدلال توجه نمی‌کنند این واقعیت است که کشورهای صنعتی که حدود ۳۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند تقریباً ۸۰ درصد منابع جهان را مصرف می‌کنند. برای مثال مصرف کننده معمولی اروپا یا آمریکایی به

طور مستقیم و غیر مستقیم شانزده برابر مصرف کننده معمولی کشورهای جهان سوم مواد غذایی، انرژی و سایر منابع مادی را مصرف می‌کند. بنابراین تا آنجا که به مصرف منابع جهان مربوط می‌شود زاده شدن یک کودک در کشورهای صنعتی به اندازه اضافه شدن شانزده کودک در کشورهای توسعه نیافته اهمیت دارد. نتیجه اینکه بدون انکار معضل جمعیت در جهان سوم آنچه که باید محدود شود در درجه اول افراط در مصرف منابع محدود جهان توسط کشورهای صنعتی است نه رشد جمعیت در کشورهای توسعه نیافته!

- موضوع دیگری که در ارتباط با مسئله جمعیت کمتر مورد توجه قرار گرفته موضوع ریاضیات نیروی محرکه رشد جمعیت است. رشد جمعیت به طور طبیعی یک تعادل درونی به تداوم دارد. این نیروی محرکه همچنان موجب افزایش جمعیت یک جامعه حتی دهها سال پس از کاهش نرخ زاد و ولد در همان جامعه می‌شود. زیرا اولاً نیروهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی یک جامعه، قرن‌ها نرخهای باروری را تحت تأثیر قرار داده‌اند و این امر صرفاً یک شبه مانند دخل و تصرف در نرخ بهره و پس‌انداز بانکی و با اصرار رهبران سیاسی تغییر نمی‌کند. و ثانیاً همان طور که گفته شد نسبت بالای جمعیت غیر فعال به جمعیت فعال این جوامع به مفهوم تعداد بیشتر والدین در سالهای آینده است. این فرمول ریاضی حکم می‌کند که حتی اگر فرزندان امروزی و والدین فردا تحت تأثیر منافع توسعه و یا تبلیغات فرهنگی در آینده و وقتی ازدواج می‌کنند به «نرخ جایگزینی» (۲ فرزند برای هر خانواده) دست یابند، تثبیت نرخ رشد جمعیت تنها پس از حدود ۵۰ سال (۲ نسل) محقق خواهد شد. و بالاخره پاره‌ای از کارشناسان معتقدند که بسیاری از مناطق کشورهای جهان سوم در واقع کم جمعیتند و مشکلی که وجود دارد توزیع جغرافیایی جمعیت است. و در صورتی که برنامه‌ها و استراتژیهای توسعه قائل به توسعه روستایی باشد و عدم تعادل کنونی در فرصتهای اقتصادی و اجتماعی بین مناطق شهری و روستایی را از بین ببرد نهایتاً قادر خواهد بود موج نقل و انتقال جمعیت از روستا به شهر را کنترل و توزیع متعادلتر جمعیت را نیز به دست دهد.

ادامه دارد

بی‌سابقه در تاریخ بشر است. اما همان طور که بسیاری از اقتصاددانان توسعه مقیم کشورهای جهان سوم اعتقاد دارند مسئله جمعیت به خودی خود مسئله‌ای واقعی نیست بلکه علت اصلی مسئله را باید در «توسعه نیافتگی» جستجو کرد. در شرایط یک جامعه عقب‌مانده نگاه داشته شده، مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و در مواقعی سیاسی و مذهبی اندازه خانواده را تعیین می‌کند. در حقیقت خانواده بزرگ تنها منشاء تأمین اجتماعی برای والدین فقیری است که پس‌اندازی برای دوران کوتاه پیری خود ندارند. سوال اینست که چگونه موقعیت کنونی جمعیت در کشورهای جهان سوم می‌تواند به تحقق اهداف توسعه آنان کمک کند و یا برعکس چگونه توسعه در رشد منطقی و یا کنترل رشد جمعیت تأثیر می‌گذارد؟ آیا کشورهای جهان سوم قادر خواهند بود «فرصتهای اشتغال» کافی برای نیروی کار رو به ازدیادشان فراهم آورند؟ رشد جمعیت در جهان سوم چه تأثیری در غلبه بر فقر مطلق دارد و یا آن را افزایش می‌دهد؟ فقر مطلق و سطح پایین زندگی چگونه آزادی والدین در انتخاب اندازه مطلوب خانواده را محدود می‌کند؟ و نقش سیستم آموزشی و بهداشتی برای غلبه بر این مشکل چیست؟

نرخ بالای رشد جمعیت در اروپای بعد از انقلاب صنعتی و در پروسه تاریخی رشد اقتصادی‌اش عاملی تعیین کننده و سرنوشته‌ساز بود. این مسئله در مورد کشورهای جهان سوم که در نیمه دوم قرن بیستم تازه به آنچه که استقلال سیاسی نامیده می‌شود رسیده بودند خوب عمل نکرد و حتی در اکثر کشورها به یک عامل ضد توسعه بدل گشت. چون همان طور که گفته شد توسعه یک فرایند چند جانبه است و نمی‌توان تنها از دیدگاه صرفاً اقتصادی یا اجتماعی یا سیاسی با آن برخورد نمود. به طور کلی آنچه که در خصوص مسئله جمعیت باید مورد توجه قرار گیرد موضوع «توسعه نیافتگی» است و توسعه باید در راس همه اهداف باشد چرا که بدون توجه مطلق به امر توسعه به طور جامع هرگونه طرح کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم محکوم به شکست است همان طور که تا به حال شکست خورده است.

توسعه به خودی خود مکانیسمهای اجتماعی را تغییر می‌دهد، بر امر آموزش اثر می‌گذارد، مسئله تأمین اجتماعی را حل نموده و آن عامل روانی که به موجب آن خانواده بزرگ تنها منبع تأمین اجتماعی آینده است را از بین می‌برد. با اتکاء به تحقیقات علمی، توسعه امکانات بهره‌برداری از عوامل تولید و منابع را افزایش می‌دهد و بالاخره به انحاء گوناگون مستقیم و غیر مستقیم نرخ رشد جمعیت را به طور منطقی تنظیم می‌نماید. «در واقع بدون تغییر کیفیت زندگی بشر، تغییر کمی آن اگر محال نباشد بسیار مشکل خواهد بود».

نکته دیگری که اهمیت دارد موضوع ساخت نسبی جمعیت جهان سوم و ارتباط آن با مسایل مربوط به توسعه از جمله کارایی، باز تکفل، آموزش و بهداشت و غیره است. امروزه در اکثر کشورهای جهان سوم بین ۵۰ تا ۶۵ درصد از جمعیت را نیروی غیر فعال (زیر ۱۵ سال) تشکیل می‌دهد. این رقم در ۱۹۸۰ در سوئد حدود ۲۱ درصد بوده است. به زبان ساده این به مفهوم آن است که نیروی فعال این جوامع در مقایسه با جوامع صنعتی باید

به سرمایه‌گذاری اختصاص خواهد داد و سریعتر از کشوری رشد می‌کند که توزیع درآمد عادلانه‌تری دارد. این نظریه جانبدارانه توجه نمی‌کند که اولاً طبقه ثروتمند کشورهای توسعه نیافته - بر خلاف تجربه تاریخی کشورهای پیشرفته امروزی - تمایل زیادی برای به کار انداختن اندوخته‌هایشان، که از عرق جبین کارگران به دست آمده، در جهت افزایش تولید ملی و رشد اقتصادی نشان نمی‌دهند. برعکس آنها علاقمند به انتقال سرمایه خود به کشورهای خارج، مصرف سودهای به دست آمده در خرید خانه‌های گران قیمت، کالاهای لوکس و مسافرت‌های متعدد تفریحی هستند و عملاً این پس‌انداز به منابع تولید کشور اضافه نمی‌شود و در حقیقت از آن به منظور ابقای طبقات ذینفع و حفظ روابط موجود اقتصادی و سیاسی طبقات ممتاز کشورهای جهان سوم استفاده می‌شود. ثانیاً سطح پایین درآمد و سطح نازل زندگی فقرا که معمولاً با آموزش و بهداشت نامناسب همراه است از نظر فیزیکی و روانی بهره‌وری اقتصادی آنان را کاهش می‌دهد و نهایتاً خود موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. در حقیقت برخلاف نظریه کاپیتالیستی، رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد دو روی یک سکه‌اند و می‌توانند بسیار هم سازگار و مکمل باشند.

۲- جمعیت و توسعه

هنگامی که در سال گذشته کنفرانس بین‌المللی جمعیت در قاهره به کار خود پایان داد بحثها و مجادلات این کنفرانس علیرغم کهنگی و تکراری بودنش، یک بار دیگر مسئله افزایش جمعیت به خصوص در کشورهای توسعه نیافته را پیش روی قرار داد. نقطه نظرات ارائه شده در این کنفرانس که به خاطر حضور فعال واتیکان و همین طور حضور کشورهای اسلامی هم چون ایران، بیشتر رنگ و بوی سیاسی و مذهبی گرفته بود، نه تنها دگریار بازتاب مشکلات واقعی مردم مقیم کشورهای جهان سوم نبود بلکه به دلیل اعمال نفوذ کشورهای غربی در کار کنفرانس، گناه رشد بی‌وقفه جمعیت در جهان را نیز به گردن آنها گذاشتند.

واقعیت این است که مسئله جمعیت و افزایش سرسام‌آور آن اگر در یک چارچوب جامع از دیدگاههای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی، فرهنگی و روانی بررسی شود، بالاچار باید سرفصلهای دیگری از جمله توسعه نیافتگی، مسئله توزیع جمعیت و هم چنین توزیع منابع جهانی را نیز در برگیرد و گرنه صرف اعلام خط انفجار جمعیت (براساس نظریه مالتوس) و تحمیل استراتژیهای نامناسب کنترل زادوولد به کشورهای جهان سوم بدون توجه به علل و عوامل رشد جمعیت در این کشورها بیشتر رنگ و بوی سیاسی سلطه‌طلبانه دارد تا اشتراک مساعی برای حل و فصل افزایش جمعیت.

در اینجا بدون اینکه بخواهیم معضل جمعیت در جهان سوم را انکار کنیم ناچاریم به یکسری مسائل مرتبط با جمعیت و اینکه اساساً چرا کشورهای فقیر با چنین مشکلی روبرو هستند پردازیم.

هرساله بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون نفر به جمعیت کشورهای جهان سوم اضافه می‌شود. این رقم حدود ۸۰ درصد کل رشد جمعیت جهان است که رقمی

در باره اتوریته

از فردریک انگلس

منبع: کلیات مارکس - انگلس به زبان انگلیسی

جلد ۲۳ - صفحات ۴۲۲ تا ۴۲۵

مترجم: علیرضا و حمید

اراده مسلطی است که همه مسائل و مشکلات مبتلا به آن را حل و فصل خواهد نمود، خواه این اراده مسلط توسط یک نماینده ابراز شود و یا توسط کمیته‌ای که متصدی اجرای مصوبات اکثریت افراد ذینفع است. شکل کار هرگونه که باشد پرواضح است اعمال اتوریته صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، چه بلایی بر سر اولین تئوری خواهد آمد که در آن اتوریته کارمندان راه آهن بر مسافرین محتوم لغو شده باشد.

اما ضرورت اتوریته، آن هم از نوع تحکم‌آمیزش را، در هیچ کجا بهتر از روی عرشه کشتی‌ای که بر آبهای اقیانوس روان است نمی‌توان یافت. در آن حال و در هنگام بروز خطر، حیات همگان وابسته به اطاعت فوری و مطلق آنها از خواست و اراده یک نفر است.

هنگامی که دلایلی نظیر اینها را به متعصب‌ترین مخالفین اتوریته ارائه نمودم تنها جوابی را که قادر بودند به من بدهند، عبارت بود از: آری، حقیقتی است، اما این جا موضوع آن نیست که ما اتوریته را به نماینده‌مان اعطاء کرده باشیم، بلکه ماموریتی است که به امانت سپرده شده است! این آقایان فکر می‌کنند که با تغییر نام اشیاء قادر به تغییر ماهیت آن نیز خواهند بود. بدین‌گونه است که این ژرفاندیشان دنیا را دست می‌اندازند.

بنابراین دیدیم که، از یکسوی، اتوریته معینی بدون توجه به چگونگی اعمال آن، و از دیگر سوی، نوعی از تبعیت، چیزهایی هستند که مستقل از سازمانهای اجتماعی به همراه شرایط مشخص مادی که تحت آنها تولید و گردش محصولات امکان‌پذیر است، بر ما تحمیل می‌شوند. وانگهی، دیدیم که شرایط مادی تولید و گردش محصولات در نهایت با صنایع و کشاورزی کلان بسط یافته و خود گرایش فزاینده‌ای در بسط و توسعه قلمرو این اتوریته را دارند. از این روی بی‌معناست گفته شود که اصل اتوریته مطلقاً شیطانی و بد است و اصل استقلال متقابلاً مطلقاً خوب است. اتوریته و استقلال اموری نسبی هستند که قلمرو فعالیتشان در مراحل مختلف تکامل اجتماعی متفاوت است. اگر استقلال‌گرایان فقط بگویند که قدرت را در سازمان اجتماعی جهان آینده تنها مرزهایی محدود می‌کند که شرایط مادی تولید ارائه‌اش را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، آنگاه می‌توانیم یکدیگر را درک کنیم: اما آنها چشم‌پايشان را به روی تمامی حقایقی که امر اتوریته را الزامی می‌سازند بسته و همچنان متعصبانه بر روی واژه‌ها شمشیر می‌کشند. چرا مخالفین اتوریته خود را محدود به فریاد علیه اتوریته سیاسی، یعنی دولت، نمی‌کنند؟ همه سوسیالیست‌ها متفق‌القولند که دولت سیاسی، و به همراه آن اتوریته سیاسی، در نتیجه انقلاب اجتماعی آینده محو خواهند شد؛ بدین معنا که کارکردهای دولتی خصلت سیاسی‌شان را از کف داده و به کارکردهای اداری صرف جهت مراقبت از منافع حقیقی جامعه بدل خواهند شد. اما مخالفین اتوریته به دنبال آنند که دولت سیاسی به یک ضربت ملغی شود، حتی قبل از آن که شرایط اجتماعی ویژه‌ای که این دولت در آن تولد یافته و رشد نموده است، نابود شده باشد. آنها خواستار آنند که اولین اقدام انقلاب اجتماعی آینده نابودی اتوریته باشد. آیا این عالی‌جنابان هیچگاه انقلابی را شاهد بوده‌اند؟ انقلاب قطعاً از اتوریته‌گراترین پدیده‌های موجود است که به وسیله آن اراده بخشی از جامعه به وسیله تفنک، سرنیزه و توپ (ابزار اعمال اتوریته) بر بخش دیگری از جامعه تحمیل می‌شود. اگر طرف

شرایط مفروض بالا زمین و ابزار کار نیز به مالکیت جمعی کارگرانی که آنها را به کار می‌برند درآید. آیا تحت چنین شرایط مفروضی اتوریته از میان خواهد رفت و یا این که تنها شکل آن عوض خواهد شد؟ بگذارید بررسی کنیم.

به عنوان مثال یک کارخانه نخ‌تابی را در نظر بگیریم. بیش از آن که پنبه به نخ تبدیل شود می‌بایست حداقل شش عمل مختلف و متوالی روی آن انجام شود، که بیشتر این کارها نیز در اتاقهای مختلفی صورت می‌گیرند. به علاوه، برای تداوم کار ماشین ابزار نیاز به مهندسی است که مراقب موتور بخار بوده، مکانیکهایی که تعمیرات مورد نیاز را به انجام برسانند، و بسیاری کارگران دیگر که کارشان جابجایی محصولات از اتاقی به اتاق دیگر است، و غیره. تمامی کارگران، اعم از مردان، زنان و بچه‌ها موظفند که کارشان را رأس ساعت معینی شروع کرده و به اتمام برسانند. این ساعت مقرر دقیقاً توسط اتوریته [نیروی] بخار که هیچ توجهی نیز به استقلال فرد ندارد، دیکته می‌شوند. بنابراین، کارگران بایستی ابتدا این ساعت کار را درگ کنند و سپس هنگامی که تثبیت شدند می‌بایستی بدون استثنا و از جانب همه رعایت شود. پس از آن سوالهای معینی پیرامون نحوه تولید، توزیع مواد و غیره در هر بخش و هر دم سر برمی‌آورند که بایستی در همان لحظه حل و فصل شوند؛ این مسائل یا با تصمیم نماینده‌ای که به عنوان رئیس بر رأس هر قسمت گمارده شده حل و فصل خواهد شد و یا در صورت امکان با رأی اکثریت. در هر صورت رای و اراده فردی می‌باید خود را تابع سازد و این بدان معناست که مسائل از طریق اعمال اتوریته رفع و رجوع شده‌اند. ماشین‌آلات اتوماتیک یک کارخانه بزرگ بسیار مستندانه‌تر از سرمایه‌داران کوچکی هستند که کارگران را به استخدام خویش در می‌آورند. حداقل در ارتباط با ساعت‌های کار می‌توان بر سر در این کارخانه‌ها نوشت که: ای تو که وارد می‌شوی، استقلال را پشت سرت رها کن. * (کمدی الهی، دانته)

اگر انسان به واسطه دانش و نبوغ ابتکاری‌اش توانسته است که نیروهای طبیعت را به فرمان خویش درآورد، این نیروها نیز به نوبه خود، مادامی که انسان آنها را در اختیار دارد، استبداد واقعی‌ای را، مستقل از هر گونه سازمان اجتماعی بر او تحمیل می‌کنند. خواست الفاء اتوریته در صنایع بزرگ دقیقاً به مثابه‌ای از میان برداشتن خود این صنایع است، یعنی که کارگاههای اتوماتیک بافندگی را برای بازگشت به عصر چرخهای نخ‌ریسی منهدم کنیم.

بگذارید مثال دیگری را در نظر بگیریم - راه آهن. در این جا نیز مطلقاً همکاری تعداد بیشماری از افراد مورد نیاز است، و این همکاری بایستی در خلال ساعت‌هایی که دقیقاً تعیین شده‌اند، صورت پذیرد تا مانع بروز هرگونه تصادفی شود. در این جا نیز شرط اولیه انجام کار وجود

توضیح مترجمین: تاریخ نگارش مقاله حاضر اکتبر ۱۸۷۲ است. این مقاله اولین بار به زبان ایتالیایی در مجموعه‌ای به نام *Almanaco Repubblicano* چاپ گردید. سپس از متن ایتالیایی به انگلیسی برگردانده شده است. در این مقاله انگلس به بحث با آتاریست‌ها که مخالف هرگونه اتوریته‌اند می‌پردازد.

اخیراً تعدادی از سوسیالیست‌ها دست به یک سلسله جنگ‌های صلیبی منظم علیه آن چیزی که خود آن را «اصل اتوریته» می‌نامند، زده‌اند. همین‌قدر کافی است که به آنها گفته شود که این یا آن عمل، اعمال مرکزیت و قدرت‌گرایی است تا به سرعت محکومش کنند. این طرز رفتار عجولانه آن چنان مورد سوءاستفاده واقع شده، که بررسی اندکی دقیقتر قضیه را واجب می‌سازد. اتوریته، بدان معنایی که این واژه در این جا کاربرد دارد عبارتست از: تحمیل اراده دیگری بر ما؛ از سوی دیگر، اتوریته متضمن مادونی و تبعیت نیز است. حال از آنجا که این دو واژه، هر دو چندان خوش آوا نبوده و روابطی را که عرضه می‌کنند قابل قبول طرف فرودست نیست، باید دید که آیا می‌توان وجود مفری بر این مشکل را اثبات نمود. آیا - با توجه به شرایط مفروض امروزی جامعه - نمی‌توانیم به یک سیستم اجتماعی که در آن اتوریته دیگر مطمح نظر نبوده و نهایتاً نیز از میان برود، نایل آیم. در بررسی شرایط اقتصادی، صنعتی و کشاورزی که پایه‌های جامعه بورژوازی حاضر را شکل می‌دهند درمی‌یابیم که کنشهای جدا از هم به طور فزاینده‌ای با کار به هم پیوسته افراد جایگزین می‌گردند. صنایع مدرن با کارخانه‌ها و ماشینهای غول پیکر که در آنها صدها کارگر کار ماشینهای پیچیده، که با قدرت بخار کار می‌کنند را تحت کنترل دارند، جایگزین کارگاههای کوچک تولید کنندگان جدا از هم شده‌اند؛ گاریها و درشکه‌ها جایشان را به راه آهن سپرده‌اند، دقیقاً به همانسان که کشتیهای بخار به جای قایقهای بادبانی نشسته‌اند. حتی بخش کشاورزی نیز به طور فزاینده‌ای تحت استیلای ماشین و نیروی بخار در می‌آید. در این بخش نیز استیلای ماشین سبب شده تا کلان سرمایه‌داران به مدد کارگران مزدبگیر قادر به کشت زمینهای وسیع شده و به تدریج خرده‌مالکان را از میدان بدر کنند. همه جا کار به هم پیوسته، پروسه‌های پیچیده‌ای که به طور زنجیره‌ای به هم وابسته‌اند، جای کار مستقل و جدا از هم افراد را می‌گیرد. اما هر کسی که از کار به هم پیوسته دم می‌زند از تشکیلات و سازماندهی نیز سخن می‌گوید، بنابراین آیا امکان دارد که سازمان کار را بدون اتوریته حفظ نمود؟

فرض کنیم که سرمایه‌داران که امروز اتوریته‌شان را بر پروسه تولید و گردش ثروت اعمال می‌کنند، توسط یک انقلاب خلع ید شوند. هم‌چنین به خاطر این که کاملاً نقطه نظر مخالفین مرکزیت و اتوریته را پذیرفته باشیم فرض می‌کنیم که در

پناهندگان متحصن در ترکیه

از صفحه ۱۳

کمیته هماهنگ کننده تحصن طی اطلاعیه‌ای در ۱۶ دسامبر اعلام نمود که: «تحصن ما کاملاً منسجم و متحد به پیش می‌رود و تا رسیدن به کلیه مطالبات، تحصن ادامه خواهد یافت. ما هر گونه شایعه مبنی بر خاتمه تحصن را کذب محض دانسته و آن را قویاً تکذیب می‌کنیم. ما مصراغه از تمامی دوستان و حامیان خود تقاضا داریم هرگونه شایعه را شدیداً نفی کرده و به حمایتها و همکاریهای خود با ما ادامه دهند».

کمیته هماهنگ کننده تحصن همراه با فراخوان مالی در ۱۸ دسامبر ۹۵ شماره حساب جدید تحصن را اعلام و از تمامی سازمانهای بشردوستان جهان، کمیته‌های حمایت و دفاع از پناهندگان در کشورهای مختلف، نهادها و سازمانها و جریانهایی متعلقه ایوبزسیون ایرانی خارج از کشور خواسته است تا با جمع‌آوری و ارسال عاجل کمکهای مالی، در تداوم تحصن تا دستیابی به تمامی مطالبات خود، آنها را یاری رسانند.

شماره حساب جدید:

0795_00301009_0096_455
ZIRAAT BANKASI _ SUBE KODU, 795 _
Necati bey cad _ANKARA _TURKEY

اسامی دارندگان حساب

1_ Ergin ilk. 2_ Abubakr Ghaderi 3_ Shirin
Pilaflan

پاسخگویی به نیاز مبرم مردم، جز ناتوانی کارگزاران در مهار گرانی و تورم و کنترل بازار نیست. رژیم مرتجعی که با فساد مالی در سطوح بالا مواجه است. رژیمی که تا دیروز در زمینه ایجاد ثبات در بازار ارز، کنترل بازار، مهار قیمتها مژده ارزانی را می‌داد چرا یکباره از چنین میدان مبارزه وسیعی به سهولت می‌گذرد و دام جدیدی می‌گستراند. مگر صرف اینهمه انرژی در زمینه‌های گوناگون اعم از انسانی، تجهیزاتی مالی در راستای محو اعتیاد کفایت نکرده است. مراکز بازپروری آسیبهای اجتماعی در سطح کلیه استانها و تهران که هزینه آن بالغ بر ۳۶۵ میلیارد ریال اعلام گردیده آیا توانست گامی هر چند جزئی در خدمت بازگشت معتادین به زندگی سالم بردارد و ریشه اعتیاد را بخشکاند، مگر سازمان بهزیستی به عنوان مرکز بازپروری معتادین و با شعار عدم استفاده از دارو درمانی معتاد به مثابه الگوی درمانی صحیح و ارزان تا چه میزان ناموفق بود که هم اکنون می‌بایست بیمارستانهای دولتی و خصوصی سراسر کشور عمده‌دار درمان معتادین گردند.

بررسی علل گرایش به اعتیاد از زاویه کارشناسی کفایت نمی‌کند. این باندهای درون حکومت و قدرتهای سیاسی - مالی که در راس رژیم قرار دارند و به طریق گوناگون از انواع گوناگون قاچاق استفاده می‌کنند، هستند که باعث گسترش مواد مخدر می‌شوند.

حامیان تجارت مواد مخدر کسانی جز وابستگان و نزدیکان سران رژیم نیستند!! بنابراین یورش به سنگر تجارت مواد مخدر و درمان معتادان ترفند جناح رقیب در تقابل با ترفند مبارزه با اخلاک‌گراان اقتصادی است و این کشاکش در هر جناح برآیندی جز افشا شدن دزدیهای سران رژیم و بستگان آنها و ایجاد مشکلات عدیده برای مردم در بر ندارد.

آبان ماه ۷۴

ع - منصوری

نخشکیده می‌گوید: «برای درمان معتادان داوطلب باید تمامی ارگانها امکاناتشان به کار گرفته شود» و یک باره دادستان کل رژیم در صدا و سیما اعلام می‌دارد: «درمان داوطلبانه معتادان آزاد شد» و اعلام شفاهی آن را به مثابه بخشنامه‌ای لازم‌الاجرا و قطعی اعلام می‌کند.

در این آشفته بازار سیاسی محسن رفیق‌دوست رئیس بنیاد جانبازان که در صدد ماستمالی کردن دسته گل سوءاستفاده مالی کلان برادرش می‌باشد، جهت خوش رقصی اعلام آمادگی می‌کند تا از امکانات بنیاد، جهت درمان معتادان استفاده گردد. راستی چه شده که همه یک صدا و یک پارچه به فکر معتادین افتاده‌اند. جای تعجب و شگفتی نیست که چرا موضوع مبارزه با اعتیاد در این مقطع تاریخی و حساس چنین برجسته می‌شود.

آیا کلیه تلاشهای رژیم در جهت حل مسائل اساسی و بنیادی مردم، مثل تامین رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و توسعه ملی، استقرار موازین قانونی و مهار گرانی و بیکاری با موفقیت به پایان رسیده و در پرتو آن امنیت روانی مردم فراهم شده است؟ بررسی رویدادها و دقت در وضعیت اقتصادی - اجتماعی اقشار گوناگون جامعه خلاف آن را به اثبات می‌رساند. پس انگیزه رژیم ملایان و کارگزاران منفور آن از به راه‌انداختن چنین بلوای تبلیغاتی چیست؟ قلع‌فروسی در بررسی علل گرایش جوانان به اعتیاد و یا گرد سفید و مرگ سیاه در روزنامه‌های رژیم و به راه انداختن موج تبلیغاتی هدفی جز فریب اذهان توده‌ها، سرگرم نمودن آنها و به انحراف کشاندن افکار عمومی از مسائل اساسی ندارد. آیا جنجال تبلیغاتی قبلی در یاری گرفتن از وزارت اطلاعات جهت مبارزه با قاچاق ارز و جلوگیری از ورود کالای قاچاق به چنان آستانه‌ای از موفقیت رسیده که دیگر معضله باقی نمانده جز درمان معتادان؟ یا در پی اینهمه خیمه‌شب‌پازی اهداف خاصی دنبال می‌شود؟ آیا تبلیغات برای درمان معتادان جهت به فراموشی سپردن مبارزه با دانه درشتها، نیست. و آیا این آخرین پرده از سناریو مسخره تعدیل اقتصادی نمی‌باشد؟

سران رژیم و مطبوعات آنها مگر یک صدا اعلام نکردند که ۳۵ تن مواد مخدر نظیر مرفین و هروئین از سوداگران بین‌المللی که از ایران به عنوان ترانزیت به اروپا استفاده می‌کردند کشف شده و در ۱۳۰ مورد درگیری با سوداگران مرگ ۱۶۰ نفر از آنها را کشته‌اند!! بنابراین در قبال خروار خروار حماقت و عوامفریبی کارگزاران رژیم یک جو منطق حکم می‌نماید که با صرف اینهمه سال با چنین نیرو و منابع انسانی و هزینه گزاف و کشفیات بالا و اعلام ایران در میان ۱۸۵ کشور جهان به مثابه الگوی شاخص مبارزه در زمینه تقابل با سوداگران مرگ دیگر چه احتیاجی به اعلام بسیج همگانی و دعوت عام جهت درمان معتادین است. مگر نیروهای انتظامی فریاد نمی‌زنند که در وهله اول با بستن و کنترل مرزها و جلوگیری از ورود کاروان مواد مخدر به داخل، زمینه اعتیاد را خواهیم خشکاند. چطور شده است بعد از اینهمه عملیات گوناگون کشف خروارها مواد مخدر، کنترل راهها و ایجاد تورهای شکنار در کلیه شهرها بایستی درمان معتادین در دستور کار قرار گیرد. این موضوع چیزی جز شکست رژیم در

اوضاع وخیم سیاسی، اجتماعی ایران و شکست مفتضحانه برنامه‌های تعدیل باند رفسنجانی و گستاخی جناح رقیب در بهره‌برداری از ناتوانی دولت، همچنین رشد روزافزون حرکتهای اعتراضی مردم، حاکی از آنست که اوضاع مطابق میل حکومت پیش نمی‌رود. وجوه عمده سیاستهای حکومت آخوندی که عبارتست از عوامفریبی و دادن وعده‌های توخالی، دیگر کارایی و برآیی گذشته را ندارد. لذا روز به روز نگرانی رژیم از سقوط خود بیشتر می‌شود.

فشارهای متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به تدریج توده‌های وسیع مردم را به رویارویی آشکارتر با حکومت آخوندی بکشاند. دیگر رژیم با شیوه‌های متداول خود توان سلطه بر مردم را ندارد. از یک طرف درگیری و کشاکش درونی امان و نفس از او بریده و از طرف دیگر سوءاستفاده‌های مالی، اداری و فساد اخلاقی و اجتماعی کارگزاران رژیم، به از بین رفتن لاشه‌گندیده و متعفن این رژیم کمک می‌کند. علاوه بر معضلات اجتماعی، اقتصادی داخلی، حکومت ملایان با یک رشته مشکلات، فشارها و تهدیدها در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای روبرو بوده و در آینده نیز روبرو خواهد بود.

انزوای بین‌المللی رژیم، انزوای کامل آن در میان مردم را تسریع خواهد کرد. مخمضه‌ای که هم اکنون رژیم با آن درگیر است موضوع نه جنگ، نه صلح با عراق، مسئله مهاجرین افغانی و عراقی در ایران، تحریم کامل تجاری توسط آمریکا، عدم موفقیت تلاشهای برخی از باندهای رژیم برای جلب و جذب ایرانیان مهاجر و عدم کنترل اعتراضهای توده‌ای است. اینها جامعه را در وضعی مثل یک انبار باروت قرار داده که با یک کبریت منفجر خواهد شد.

در این شرایط اسفبار سردمداران رژیم مبادرت به دعوت عام جهت حل معضل اعتیاد و درمان معتادین می‌نمایند. در رنگین‌نامه «ایران» که تریبون ژورنالیستی رفسنجانی است این دعوت از کلیه ادارات و نهادها، به عمل آمده است. مسئولین نیرنگ‌باز رژیم عاجزانه دست استمداد به سوی مردم شریف دراز کرده‌اند تا در حل این معضل اجتماعی (که خود رژیم به انحاء مختلف، خواستار ابقاء و استمرار این پدیده شوم است) مردم را به یاری بطلبند. استمدادی چنین عام و همگانی باعث حیرت و تعجب همگان شده است. به دنبال آن، این نتیجه حاصل می‌شود که این تلاش شگفت‌آور و عاجزانه تداعی‌گر تلاش مذبوحانه کارگزاران رژیم سلطنتی در آخرین روزهای قبل از سقوط است.

در رنگین‌نامه ایران شماره‌های ۱۱۲، ۱۱۶ و (۴) تیرماه ۷۴ به بعد آمده است:

«معتادان داوطلب درمان تعقیب کیفری نمی‌شوند». سپس معاون دیوانعالی رژیم ادامه می‌دهد: «قضات آماده همکاری با دعوت عام روزنامه ایران هستند».

بشارتی وزیر کشور رژیم وقیحانه عنوان می‌کند: «در امر درمان معتادان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد».

محمد فلاح به عنوان دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری می‌گوید که «درمان معتادان تحت نظارت وزارت بهداشت و درمان بسیار مؤثرتر خواهد بود». مدیر کل زندانهای استان تهران که هنوز خون زندانیان سیاسی بر دستان او

پناههندگسان

پناهجویان متخصص در ترکیه

— هلند

تصمیم دوم نوامبر دادگستری هلند

روز ۲۱ سپتامبر امسال دادگاه ویژه‌ای در لاهه، به منظور رسیدگی به درخواست اقامت دو ایرانی پناهجو که به درخواست پناهندگی آنها در دادگستری هلند جواب منفی داده شده تشکیل شد. این دادگاه رای خود را در دوم نوامبر به نفع دادگستری و به ضرر پناهجویان صادر و بنابراین حکم اخراج پناهجویان ایرانی را تأیید نمود. در اینجا قبل از پرداختن به اهمیت رای صادره از سوی دادگاه و عواقب احتمالی آن برای بیش از ۵۰۰۰ ایرانی پناهنده به هلند و همین طور ایرانیان دارای اجازه اقامت مشروط یک ساله موسوم به VVTV، لازم است توضیح مختصری در مورد چند و چون پناهندگی در هلند و پروسه‌ای که طی می‌نماید داده شود.

پناهندگی در هلند

در هلند برای مناقضیان پناهندگی از این کشور سه حالت یا STATUS در نظر گرفته شده است، که پس از طی پروسه رسیدگی به درخواست پناهندگی افراد، آنها را در سه گروه جای می‌دهند و برحسب آن به افراد اجازه اقامت نامحدود یا محدود و مشروط، و یا در نهایت درخواستهای پناهندگی یا اقامت افراد را بی پایه و اساس تشخیص داده و حکم به اخراج افراد صادر می‌نمایند. این سه حالت عبارتند از:

- ۱- حالت A همراه با اجازه اقامت نامحدود.
- ۲- حالت C یا اجازه اقامت یک ساله (در عمل نامحدود) به دلایل بشردوستانه
- ۳- حالت VVTV یا اجازه اقامت مشروط یک ساله

در صفحه ۱۴

حمایت از پناهندگان ایرانی در هلند

در پی فراخوان انجمن فرهنگی نبرد در هلند در حمایت از پناهندگان ایرانی و اعتراض به تصمیم دادگستری این کشور، احزاب و جمعیت‌های زیر با ارسال پیام‌هایی برای این انجمن از پناهندگان ایرانی حمایت نمودند. کمیته‌های محلی احزاب کمونیست، سوسیالیست، سوسیال دموکرات، سبزهای چپ، جنبش صلح پاکس کریستی، شورای کلیساهای هلند، عفو بین‌الملل، شورای کلیسای WIGKEMEENT GERREFORMERDE BONP و دهها شخصیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی دیگر. در بخشی از پیام جنبش صلح پاکس کریستی و منشی شورای کلیساهای هلند به تاریخ ۲۰ دسامبر ۹۵ به انجمن فرهنگی نبرد موارد زیر عنوان شده است: «مایلم خوشحالی قلبی خود را از دریافت نامه اعتراضی شما به حکم دادگاه و اخراج پناهندگان ایرانی، از طرف جنبش صلح پاکس کریستی و شورای کلیساهای هلند اعلام نمایم. ما بدین وسیله حمایت خود را از پناهندگان ایرانی اعلام و نسبت به حکم صادره معترض هستیم. به همین جهت جنبش صلح پاکس کریستی طی نامه‌هایی به عفو بین‌الملل و VVN و ارگانه‌های دیگر خواسته است نشست مشترکی با خانم اسمیت (قائم‌مقام وزارت دادگستری) تشکیل و لزوم حمایت و محافظت از پناهندگان ایرانی را به اطلاع او برسانیم. ما سعی می‌کنیم در فرصت کوتاهی زمینه حمایت و محافظت از پناهندگان ایرانی فراهم آید.

اطریش

انجمن دموکراتیک حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش در اطلاعاتی که در تاریخ ۲۰ دسامبر ۹۵ منتشر نمود خبر از زندانی بودن یک پناهجوی ایرانی به نام امیل - س در زندان شهر لینز در اتریش و احتمال اخراج وی را به ایران می‌دهد. در اطلاعاتی آمده است: امیل - س یک مسیحی پروتستان است که به علت فشار و آزار رژیم به اطریش پناهنده شده و دولت اطریش با رد درخواست پناهندگی او درصدد است تا او را به ایران بازگرداند. عفو بین‌الملل نیز در روز ۱۸ دسامبر از طریق یک اطلاعیه نسبت به بازگرداندن این ایرانی پناهجو هشدار داده است. خوشبختانه روز ۲۱ دسامبر از طریق انجمن دموکراتیک حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش اطلاع یافتیم که پناهجوی نامبرده از زندان آزاد شده است.

انجمن دموکراتیک حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش اطلاعاتی در ۲۱ دسامبر در همبستگی با متحصنین ترکیه منتشر نمود. در این اطلاعیه آمده است که: «... این انجمن در ارتباط با همبستگی با پناهجویان متخصص به همراه سازمان عفو بین‌الملل شعبه وین طی نامه‌های جداگانه‌ای به وزارت کشور ترکیه و دفتر سازمان ملل در آنکارا و سفارت ترکیه در اتریش نسبت به اخراج و عدم پذیرش آنان اعتراض نموده است.»

در صفحه ۱۲

کمیته هماهنگ کننده تخصص پناهجویان ایرانی در ترکیه، با انتشار بیانیه‌ی در روز ۱۰ دسامبر، اعلام کرد: «سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکیه (آنکارا) ضمن مصاحبه با خبرنگار نشریه اکتونل در آنکارا عنوان داشته است که در صورت بازگشت پناهندگان متخصص به ایران، برخورد خشونت‌آمیزی با آنها نخواهد شد و آغوش جمهوری اسلامی برای پذیرفتن ایشان باز می‌باشد. وی که در چهارم اوت نیز طی تماسی این مطلب را به خبرنگارهای اعلام کرده بود، سعی دارد در جهت کاستن بازتاب تخصص پناهجویان ایرانی در افشای رژیم منحط جمهوری اسلامی، افکار عمومی را با بیانات خلاف واقع خویش به انحراف کشاند.

لذا، ما متخصصان با تنظیم نامه‌ای، ضمن دادن جواب به بیانات کذب ایشان، آذهان عمومی را نسبت به واقعیتها، متوجه می‌سازیم:

در نامه ۹ صفحه‌یی، که ضمیمه این بیانیه است، از جمله آمده است: «آقای سفیر، صاحبخانه عزیز! بد نیست به یاد آورید پیش از آن که دارودسته شما مملکت ما را تصاحب کنند، ما در آن جا زندگی می‌کردیم. بد نیست به یاد آورید که ایران همیشه مملکت ایرانیان بوده و پس از این نیز خواهد بود. این که شما لطف می‌کنید! و به ما اجازه می‌دهید که به کشور خویش بازگردیم، سبب نخواهد شد که ما هم اجازه بدهیم شما در مملکت ما بمانید. این که ما را از مملکت خود بیرون کرده‌اید، به این دلیل است که نمی‌خواستیم شما را در آن جا ببینیم و شما ما را مجبور به ترک وطن کرده‌اید. شما که پس از هفده سال حکومت، هنوز از نظر مردم ایران جز دارودسته‌یی مزدور، بیش نیستید و هنوز هم به عنوان حکومتی موقت در ذهن مردم مطرح هستید، شما که پس از هفده سال فشار، کشتار، قتل عام وحشیانه، شکنجه و زندان که به جان و روح مردم وارد آورده‌اید، هنوز هم نتوانسته‌اید به عنوان یک رژیم حکومتی بلکه فقط به عنوان یک مشت قلدر و زورگو، در ذهن مردم، جا بگیرید، چگونه صاحبخانه شده‌اید که ما را به مملکت خویش میهمان می‌کنید؟ شاید نگرانید؟ نگرانید که دنیا بدانند که در ایران چه می‌گذرد؟ نگرانید که مبادا مرد و زن و بچه، کوچک و بزرگ با چهره‌های وحشت‌زده و زرد و رنجور خود، پرونده اعمال شما را برای جهانیان باز کنند؟»

در قسمت دیگری از نامه آمده است: «... ما البته به ایران برمی‌گردیم و آغوش مملکت به روی ما باز است. آن خاک پاک همیشه فرزندان خود را به شایستگی استقبال کرده است و... ما ایرانیان به صبر و طاققت عادت کرده‌ایم. ما به مملکت خود برمی‌گردیم ولی نه به دعوت شما. روزی که ما به مملکت خویش برگردیم شما با خفت آن جا را ترک می‌کنید. ما هر یک تمام توان خود را در مبارزه با دارودسته چپاولگر شما به کار گرفتیم و حال که اجباراً از مملکت خویش فراری شده‌ایم، می‌مانیم و به مبارزه ادامه می‌دهیم تا آن زمان که از مملکت ما بیرون بروید...»

کمیته هماهنگ کننده تخصص در رابطه با خاتمه موفقیت‌آمیز اعتصاب غذا در اعتراض به

تصمیم دوم نوامبر دادگستری هلند

از صفحه ۱۳

می‌کند: آنهایی که به نظر دادگستری هلند دلایلشان برای درخواست پناهندگی آشکارا بی‌پایه و ضعیف است. آنهایی که گفته باشند در ایران تحت تعقیب بوده و در عین حال به صورت قانونی کشور را ترک کرده باشند (مگر این که بتوانند آن را به نحو قابل قبولی توجیه کنند)، و آنهایی که فرار از جنگ و خدمت نظامی را علت تقاضای پناهندگی خود عنوان نموده باشند. خطر همچنین آن دسته از پناهجویان ایرانی را که می‌باید در مورد اجازه اقامت موقت آنها تصمیم گرفته شود تهدید می‌کند، چرا که به موجب قانون صدور مجدد اجازه اقامت این افراد منوط به بررسی دوباره پرونده آنها، همین طور در نظر گرفتن شرایط عمومی در کشور مبدأ است که در صورت سختگیری وزارت دادگستری می‌تواند منتهی به عدم تمدید اجازه اقامت و بالنتیجه حکم اخراج شود.

به این ترتیب در حال حاضر دادگستری هلند مجوز لازم برای اخراج گروه زیادی از پناهجویان ایرانی را در دست دارد و سرنوشت گروه زیادی از ایرانیان پناهجو به این بستگی دارد که دادگستری هلند بخواهد آن را قاطعانه به اجرا بگذارد یا نه؟ اما اگر بخواهد حکم مزبور را به اجرا بگذارد، در صورت سختگیری، خطر اخراج گروه بزرگی از پناهجویان ایرانی بسیار جدی خواهد بود.

راههای مقابله با تصمیم دادگستری هلند

با توجه به مصوبه ژانویه گذشته و حذف رسیدگی دیوان عالی هلند به پرونده‌های پناهندگی، رای دادگاه لاهه لازم‌الاجرا و غیر قابل تجدید نظر در هلند است. به موجب قوانین اروپایی حقوق بشر و ضمیمه قرارداد اتحاد اروپا موسوم به شنگن تنها دادگاه اروپایی حقوق بشر قادر به نقض رای صادره خواهد بود، آن هم در صورتی که بدو رای به صلاحیت رسیدگی به دعوی مذکور صادر گردد که البته آن هم مدت‌ها طول می‌کشد و دادگاه اروپایی حقوق بشر قادر به صدور دستور موقت مبنی بر عدم اجرای حکم و یا توقف آن تا رسیدگی نهایی نخواهد بود. با توجه به این که نحوه اجرای حکم صادره و تعمیم آن به پرونده‌های دیگر پناهجویان ایرانی بستگی به رویه قضاوت دارد، تنها می‌توان با بسیج افکار عمومی مردم هلند، اعتراضات مکرر، اغتای وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران از اجرای حکم مذکور به میل دادگستری هلند جلوگیری نمود.

با توجه به وضعیت عمومی حقوق بشر در ایران و محکومیت‌های مکرر و چندین باره و به خصوص تصویب قوانین جدید در مجلس رژیم مبنی بر محکومیت‌های حبس برای فعالین سیاسی حتی در خارج از کشور و صدور احکام قرون وسطایی از دادگاه‌های رژیم حاکم بر ایران رای صادره از دادگستری هلند آشکارا غیر انسانی و ناعادلانه است که با توجه به تبصره ۳ قانون منع شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز که تاکید می‌کند که: کشورها می‌بایست از استرداد افراد به سرزمین‌هایی که در آن بیم شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز در آنها وجود دارد و هلند نیز جزء امضاءکنندگان آن است، باید خطری که پناهجویان ایرانی را تهدید می‌کند، برای افکار عمومی هلند و نیروهای سیاسی و جریانات اجتماعی آن به شکل گسترده و دقیق تشریح کرد.

انجمن فرهنگی نبرد - هلند

(۱) - Raad Van Staat

سیاسی ایران نسبت به گذشته بهتر شده و بسیاری از فعالیت‌های مخالف در ایران در حد پخش اعلامیه و شرکت در تظاهرات ضد دولتی با مجازات‌های سبک چند روز تا حداکثر ۳ ماه پاسخ داده می‌شود و فقط فعالیت مسلحانه به شدت مجازات می‌گردد. به این ترتیب زمینه برای امن، یا حداقل «به طور نسبی امن»، اعلام کردن ایران فراهم شد و خانم اشمتیز براساس همین گزارش وزارت خارجه در ژانویه همین سال طی بخشنامه‌ای به وزارت دادگستری اعلام نمود که با توجه به گزارش وزارت خارجه دیگر دلیلی وجود ندارد که به آن دسته از ایرانی‌هایی که با درخواست پناهندگی یا اقامت آنها موافقت نشده، جواب اجازه مقاومت مشروط یک ساله VVTV با اعتبار شرایط نامن کشور مبدأ، در اینجا ایران، داده شود. مفهوم این تصمیم چیزی جز صدور حکم اخراج برای چنین ایرانیانی نیست. به دنبال این حرکت خانم اشمتیز، مخالفت و سوالات زیادی هم در درون دستگاه قضایی و هم بیرون آن شکل گرفت. به مجموعه گزارشها و اخبار متعدد مربوط به نقض گسترده و مستمر حقوق بشر در ایران، که به تایید سازمان‌های معتبر بین‌المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و عفو بین‌الملل نیز رسیده اشاره کرده و بنابراین امن بودن ایران را امری غیر واقعی اعلام می‌کردند. سرانجام قرار شد یک دادگاه واحد در لاهه به دو مورد از درخواست‌های پناهندگی ایرانیانی که پروسه رسیدگی را طی کرده و جواب نهایی یا دوم منفی وزارت دادگستری را دریافت نموده بودند، رسیدگی نموده و حکم صادره، هر چه که بود، به مورد‌های مشابه تعمیم داده شود.

به این ترتیب اهمیت دادگاه ۲۱ سپتامبر و رای صادره از آن، که می‌توان به آن رای وحدت رویه گفت، در این بوده و هست که با صدور و یا در واقع تایید حکم اخراج دو پناهجوی ایرانی یک نوع سابقه حقوقی به وجود آمده که بر اساس آن دولت هلند می‌تواند حکم اخراج کلیه ایرانیانی را که از دید وزارت دادگستری هلند برای اخذ حالت A یا C واجد شرایط تشخیص داده نشده‌اند صادر نماید. به عبارت دیگر منبعده به پناهجویان ایرانی، نه به اعتبار عدت و انگیزه‌شان از درخواست پناهندگی، بلکه به اعتبار نامنی ایران، دیگر جواب VVTV داده نمی‌شود.

عواقب رأی منفی دادگاه ۲۱ سپتامبر برای پناهجویان ایرانی

با وجود اینکه هم در حکم و هم در تفسیرهای به عمل آمده در مورد آن گفته و تاکید شده که این حکم فقط شامل آن دسته از پناهجویان ایرانی می‌شود که پس از رسیدگی به درخواست پناهندگی‌شان، ثابت شود که دلایل آنها برای ترک کشور و درخواست پناهندگی قوی و موجه نیست و در صورت برگشت به ایران خطری آنها را تهدید نمی‌کند، معینا در عمل و با توجه به شناخت و تجربه حاصل از عمل وزارت دادگستری هلند، احتمال زیادی وجود دارد که در عمل تعداد بسیار زیادی ایرانی (حدود ۵۰۰۰ نفر) مشمول حکم مزبور قرار گیرند، چرا که عملاً دادگستری هلند بسیاری از درخواست‌ها را ضعیف و بی‌پایه قلمداد نموده و به آنها با نظر ناساعد می‌نگرد. خطر در واقع چند گروه از ایرانیان پناهجو را تهدید

حالت A شامل کسانی می‌شود که از دید وزارت دادگستری هلند معیارهای تعریف شده در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد آنها صدق می‌کند به این معنی که دلایل و مدارک ارائه شده از سوی آنها برای ترس از تعقیب و آزار در کشور خود به دلایل سیاسی، مذهبی، قومی، نژادی یا تعلق به یک گروه اجتماعی خاص کافی و قانع کننده تشخیص داده شده باشند. در چنین حالتی، فرد به عنوان یک پناهنده به رسمیت شناخته شده و از تقریباً همان حقوق اجتماعی یک شهروند هلندی برخوردار می‌گردد.

حالت C نوعی اجازه اقامت عملاً نامحدود است که به دلایل بشردوستانه به افرادی که نه به دلیل پیش‌زمینه‌های سیاسی، مذهبی و ... از نوع اول، بلکه به دلیل حوادث یا وقایع خاص و قرار گرفتن در شرایط خطرناک مجبور به ترک کشور خود می‌شوند. حالت VVTV نوعی اجازه اقامت مشروط یک ساله است که می‌باید هر سال تجدید شود و به کسانی تعلق می‌گیرد که نه در گروه A و نه گروه C جای می‌گیرند، معینا به اعتبار شرایط سیاسی وخیم در کشور مبدأ و از آنجا که گاهی در صورت برگرداندن شدن به آن ممکن است در موقعیت بدی قرار گیرند، به آنها اجازه اقامت داده می‌شود. در گذشته به این حالت، حالت «تحمّل» گفته می‌شد که به دنبال ایرادهای دیوان عالی یا شورای کشوری هلند (۱) به VVTV تغییر نام یافت.

داستان دادگاه ۲۱ سپتامبر

داستان دادگاه ۲۱ سپتامبر در واقع در سال ۱۹۹۱ یعنی ۴ سال پیش با گزارش وزارت خارجه هلند در مورد بهبود شرایط حقوق بشر در ایران شروع شد. اما از آنجا که هنوز زمینه لازم داخلی و بین‌المللی برای عملی کردن نتایج حاصل از آن در مورد پناهجویان ایرانی وجود نداشت، عملاً پیشرفت نمود. اهمیت این گزارش برای وزارت دادگستری هلند از آن جهت بود که با اتکا به آن می‌شد ایران را کشوری امن تلقی و به این ترتیب ایرانیان پناهجویی را که با درخواست پناهندگی آنها موافقت نشده به ایران بازگرداند. منتها به دلایلی چنین چیزی در همان سال یا سالهای بعد عملی نشد. به این ترتیب وزارت‌خانه‌های دادگستری و خارجه هلند به موازات و هماهنگ با هم این طرح، یعنی طرح امن اعلام کردن ایران را از یکی دو سال پیش به این طرف به جلو بردند تا جایی که در اکتبر یا نوامبر سال گذشته سخنگوی وزیر خارجه هلند علناً در مصاحبه با روزنامه هلندی تراو ایران را امن اعلام کرد و همان موقع نیز فاش شد که در مورد نحوه برگرداندن آن دسته از پناهجویانی که با درخواست پناهندگی آنها موافقت نشده به پیشرفتهایی در مذاکره با مقامات سفارت رژیم ایران در هلند دست یافته‌اند. به این ترتیب در ۲۹ نوامبر سال گذشته وزارت خارجه هلند در جواب نامه خانم اشمتیز، قائم مقام وزارت دادگستری و مسئول امور پناهندگان، که در آن خواهان اطلاعات کارشناسی در مورد وضعیت عمومی سیاسی ایران و نام گروه‌های فعال ابوزیسیون ایرانی در داخل کشور شده بود، اعلام نمود که شرایط عمومی



پاسخ به نامه‌ها

آقای رضا. م از کانادا کارت زیبایی شما با عنوان «تحفه‌ای کوچک به دوستان در نبرد خلق» دریافت شد. ضمن تشکر از لطف شما، برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم.

آقای حیدر. ط از آلمان ضمن تشکر از ابراز لطف شما، در مورد نامه شما به ایران زمین پیگیری کردیم، آن را دریافت نکرده بودند. اگر فتوکپی آن را دارید دوباره ارسال کنید.

آقای عباس الف از هلند نامه شما به رفیق سامع رسید. در ضمن نبرد خلق شماره ۱۲۵ برای شما ارسال شده است. تماس خود را با ما ادامه دهید. شما می‌توانید نامه‌های خود را به آدرس نبرد خلق در پاریس ارسال کنید.

آقای فرامرز از سوئد شماره‌های درخواستی نبرد خلق برایتان ارسال شد. از اظهار لطف شما نسبت به موفقیت هیئت نمایندگی مقاومت در کنفرانس پکن سپاسگزاریم.

آقای حسین الف از هلند کتاب و جزوات درخواستی شما ارسال شد. شما همچنین چند سوال را طرح کرده‌اید و خواستار پاسخ ما به آنها شده‌اید. ما در حد امکان جزواتی را برای شما می‌فرستیم که مواضع سازمان در مورد شورا و جنبش چپ در آن درج شده است. در مورد شورای ملی مقاومت، به اساسنامه و برنامه آن مراجعه کنید مسلماً پاسخ بخش زیادی از سوالهای خود را در آن خواهید یافت. سوال کرده‌اید آیا در شرایط کنونی معتقد به یک آشتی ملی یا سازش طبقاتی در روند پیشبرد جنبش مردمی به عنوان یک تاکتیک معتقد هستیم؟ پاسخ ما این است: ما به همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران و استقرار

دموکراسی در جامعه معتقد هستیم. برای سرنگونی این رژیم نیز متأسفانه راهی جز مبارزه قهرآمیز نمانده است. بنابراین هر سازشی که استقلال عمل ما را محدود نکند و به اهداف ذکر شده کمک کند را مجاز می‌دانیم و به همین دلیل هم در ائتلاف شورای ملی مقاومت حضور داریم. طبعاً سازش با نیروهای وفادار به دیکتاتورهای شاه و خمینی را مجاز نمی‌دانیم و آن را علیه منافع ملی مردم ایران می‌دانیم. در مورد موفقیت شورای ملی مقاومت در مرحله کنونی، این شورا به مثابه یک ائتلاف و پارلمان مقاومت در تبعید، بخش سیاسی جنبش مقاومت را نمایندگی می‌کند. این شورا در ایران آزاد شده فردا، قوه مقننه موقت برای ۶ ماه است.

آقای شهرام از هلند خواهان همکاری با ما شده‌اید. دوست عزیز شما فراموش کرده‌اید که آدرس خود را برای ما بنویسید. لذا چنانچه هنوز خواهان ارتباط و یا دریافت نشریه و... هستید با آدرس نبرد خلق در پاریس مکاتبه نمایید.

آقای محمدرضا روحانی طی نامه‌ای، نبرد خلق را مورد لطف قرار داده و نوشته‌اند که: «شماره اخیر- ۱۲۶ را خواندم. مطالب بسیار متنوع شده، اما ضمن سپاسگزاری از تلاش شما، طبق مقررات در حاشیه نشریه در حد امکان به «عیب‌جویی» پرداختم و عین آن را همراه این نامه مسترد می‌کنم». ضمن تشکر از لطف آقای روحانی توجه ایشان را به این نکته جلب می‌کنیم که نبرد خلق در مقایسه با سایر نشریات چاپ خارج از کشور که بسیاری از آنها از کادرهای حرفه‌ای استفاده می‌کنند، اگر «عیب» کمتری نداشته باشد، بیشتر ندارد. البته این توضیح دلیل بر آن نیست که ما به تذکرات دوستان نبرد خلق توجه نکنیم.

بوخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۶

- خارجی:
- ۸ ژانویه ۱۹۴۲ - درگذشت دانشمند بزرگ گالیه.
 - ۱۷ ژانویه ۱۸۰۸ - دادگاههای مخوف نفتیش عقاید در فرانسه به دستور ناپلئون بناپارت تعطیل شد.
 - ۲۶ دسامبر ۱۸۹۳ - تولد مانوئله دونگ رهبرانقلاب تودهای چین.
 - ۹ ژانویه ۱۹۰۵ - کشتار بزرگ کارگران پترزبورگ به وسیله ارتش تزار و آغاز انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه تزاری.
 - ۲۲ دسامبر ۱۹۰۵ - قیام کارگران سکو، آغاز انقلاب
 - ۲۳ دسامبر ۱۹۱۶ - درگذشت چکلندن نویسنده بزرگ آمریکایی
 - ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ - شهادت روزالوکزاسبورگ وکارل لیبکنشت از رهبران جنبش کمونیستی آلمان.
 - ۲۰ ژانویه ۱۹۲۰ - تولد ناظم حکمت شاعر انقلابی ترکیه.
 - ۲۷ دسامبر ۱۹۲۳ - الکساندر ایفل طراح و سازنده برج ایفل در سن ۹۱ سالگی درگذشت.
 - ۱۸ ژانویه ۱۹۵۵ - شورای جهانی صلح یک فراخوان جهانی علیه گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای صادر نمود. این سند به نام «فراخوان وین» معروف است.
 - ۱ ژانویه ۱۹۵۶ - قیام مردم کوبا به رهبری فیدل کاسترو به پیروزی رسید.
 - ۱۲ ژانویه ۱۹۷۴ - تاسیس جبهه رهایی بخش ملی

- ساندینیست:
- ۱ ژانویه ۱۹۵۹ - پیروزی انقلاب کوبا.
 - ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ - شهادت پاتریس لومومبا نخست وزیر قانونی کنگو.
 - ۱ ژانویه ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین (روز همبستگی با مردم فلسطین)
 - ۲۰ ژانویه ۱۹۷۳ - تروم انیل کارکابرا: رهبر جنبش رهایی بخش خلق گینه به دست مزدوران پرتغالی.
 - ۲۱ دسامبر ۱۹۷۹ - ورود نیروهای نظامی شوروی به خاک افغانستان.
 - ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ - به دنبال یک شورش برق‌آسا نیکولای چائوشسکو رئیس‌جمهور رومانی پس از ۲۴ سال حکومت، برکنار و بلافاصله دستگیر شد.
 - ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹ - تلوزیون رومانی خسر اعدادم چائوشسکو و همسرش را اعلام کرد.
 - ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ - پارلمان چکاسلواکی واتسلاو هاول، نویسنده معروف چکاسلواکی را با اتفاق آراء به عنوان رئیس‌جمهور این کشور برگزید.
 - ۲۵ فوریه ۱۹۹۰ - در انتخابات ریاست جمهوری نیکاراگوئه دانیل اورتگا (کاندیدای جبهه آزادیبخش ملی ساندینیست) از رقیب خود خانم ویولتاچامورا (کاندیدای اتحادیه ملی اپوزیسیون) شکست خورد.

NABARD E KHALGH

Organ of the

organization of Iranian People's Fedaii Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by:

NABARD Cultural Association

No : 127 22 . December 1995

PRICE : 7 FFr 2 DM 1/5 \$ US

Nabard B.P 20 91350 Grigny cedex FRANCE ***	Nabard Post fach 102001 50460 KOLN GERMANY ***
Hoviat Post Restante Mimers Gade 118 2200 N. DANMARK ***	Nabard Post Fach 121 1061 Wien AUSTRIA ***
Hoveyat P.O Box 1722 Chantilly . VA 22022 U. S. A	Nabard Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کنند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می‌شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

حساب بانکی نبرد خلق

نام بانک: SOCIETE GENERAL
آدرس بانک: BOULOGNE_S_SEIN
FRANCE
کد گیشه: 03760
شماره حساب: 00050097851
نام صاحب حساب: Mme.Tallat R.T

با کمک‌های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

در باره اتورپته

از صفحه ۱۱

پیروزمند نمی‌خواهد که بیموده رزمیده باشد، بایستی حاکمیت‌اش را با اتکاء به ترس و رعبی که سلاحش در دل ارتجاع ایجاد می‌نماید حفظ کند. آیا کمون پاریس می‌توانست حتی یک روز هم دوام داشته باشد اگر از قدرت خلق مسلح علیه بورژوازی استفاده نمی‌شد؟ برعکس آیا نباید به خاطر عدم استفاده کافی از این حربه مورد انتقاد قرار گیرد؟ بنابراین تنها دو شق باقی می‌ماند: یا اینکه مخالفین اتورپته نمی‌دانند که چه می‌گویند، که در این صورت تنها سرآسیبگی و اغتشاش ایجاد می‌کنند؛ یا این که می‌دانند و در آن صورت به نهضت پرولتاریا خیانت می‌ورزند. در هر دو صورت در خدمت ارتجاع قرار دارند.

Lasciate ogni autonomia, voi che entrate !*

در گذشت گلوریا مارتین، زنی که همواره علیه ستم مبارزه کرد

گلوریا مارتین، سوم ژوئن سال ۱۹۱۶، در شهر سنت لویس واقع در ایالت میسوری به دنیا آمد. در جوانی، نفرت او از نژادپرستی به شرکتش در مبارزه علیه سیاست جدایی نژادها انجامید. در طول جنگ جهانی دوم، او به علت جو مردسالاری و تبعیض در لیگ کمونیستی آمریکا، از این سازمان خارج شد. ولی این امر موجب توقف مبارزه او بر ضد راسیسم نشد. بعد از نقل مکان به سیاتل در سال ۱۹۵۰، این زن مبارز و انقلابی به کنگره تساوی نژادها ملحق شد. در سال ۱۹۶۶، همراه با زنان سیاه به سازماندهی گیرندگان خدمات اجتماعی، در یک گروه منسجم به نام «کمک به کودکان محتاج» پرداخت تا یک جنبش انقلابی و حوظطلبانه را در زنان ایجاد کند. رشد او در یک خانواده فقیر، موجب ایجاد این روحیه انقلابی و برصلاطت در او شده بود. او هیچگاه برای گذراندن معاش به قدرت مردان متوسل نشد، بلکه به بازوی استوار و زنانه خود متکی بود. در سال ۱۹۶۹، زمانی که پلیس و ماسوین آمریکایی به قتل عام عمومی پلنگهای سیاه می پرداختند، این شیر زن قهرمان، رهبری دفاع از جان آنها در سیاتل را به عهده گرفت و با قرارگرفتن در صف اول مبارزه علیه سرمایه داری و نژادپرستی، درست بعد از ترور غیر انسانی مالکامکس و لوترکینگ، در برابر قتل عام سیهان

در این شهر به مقاومت پرداخت. از همه مهمتر اینکه، گلوریا یکی از وفادارترین رهبرانی بود که با کنار گذاشتن اپورتونسیسم، احساس حقیقی خود در مورد خمینی دجال را، چند سال قبل از انقلاب بهمن ۵۷، در چندین سخنرانی خود به همگان اعلام کرد. او ضمن اعلام حمایت گسترده خود از چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق و مبارزان واقعی راه رهایی زحمتکشان و زنان ایرانی، به همگان هشدار داد که در صورت بازگشت خمینی به ایران، زنها به طور جمعی به آشپزخانهها و حرمسراها باز خواهند گشت. گلوریامارتین همواره نقش زنان ایران در انقلاب بهمن را به عنوان اساسیترین عامل سرنگونی رژیم پهلوی قلمداد می کرد. چندین سال بعد از انقلاب ۵۷، او ضمن حمایت مجدد از چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق، سازمانهای به اصطلاح چپی را که همواره سعی در تحریف حقایق در مورد نقش چریکهای فدایی خلق داشتند را به شدت محکوم کرد و گفت: وظیفه تمامی انقلابیون چپ در جهان، حمایت از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مقابل ایادی و مزدوران رژیم است. زن پرکار و شجاع سازمان سوسیالیست آزاد و حزب زنان رادیکال بعد از سالیان دراز مبارزه علیه نژادپرستی، امپریالیسم و تبعیض جنسی



در برابر تندروی استند
خانه را روشن می کنند
ومی میرند

شهادت فدایی دی ماه

رفقا: فتح الله کربیی - خاطره جلالی - مرتضی حاج شفیع هـا - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصیری - محمدزین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پوراصیل - بهمن روحی آهنگران - سرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه شمس کهنانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج از کشور) - خدابخش شالی در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم های شاه و خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی و سوسیالیسم طی سال های ۱۳۵۰ تا کنون به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی دی ماه

- ۵ دی ۱۳۰۰ - درگذشت رفیق حیدرخان عموآغلی.
- ۹ دی ۱۳۰۰ - انتشار نخستین شماره روزنامه حقیقت ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت محمد دهگان تحت نام ارگان اتحادیه های کارگران تهران.
- ۱۰ دی ۱۳۲۵ - شهادت گروهی از افسران و درجه داران مبارز جنبش ملی آذربایجان.
- ۱۳ دی ۱۳۲۶ - انشعاب جریان خلیل ملکی از حزب توده.
- ۱۸ دی ۱۳۳۰ - تسدید قرارداد دختانه نظامی ایران و آمریکا به وسیله رژیم شاه.
- ۱۶ دی ۱۳۳۸ - درگذشت زندیاد نیمایوشیچ علی اسفندیار (شاعر بزرگ ایران)
- ۲۰ دی ۱۳۳۸ - اعتصاب دانش آموزان تهران
- ۲۹ دی ۱۳۴۰ - اعتصاب کارگران حریری اصفهان
- ۳۰ دی ۱۳۴۳ - درگذشت نظام الدین وفا شاعر بزرگ ایرانی
- ۱۷ دی ۱۳۴۶ - شهادت جهان پهلوان غلامرضا تختی
- ۹ دی ۱۳۵۳ - اعداء انقلابی سرگرد نیک طبع شهنشاه گرج رژیم شاه توسط رژیمندگان دلیر فدایی
- ۱۹ دی ۱۳۵۶ - کشتار مردم قم توسط مزدوران رژیم شاه.
- ۵ دی ۱۳۵۷ - شهادت کامران نجات الهی استاد مبارز دانشگاه و از اعضای برجسته کانون ملی دانشجویان.
- ۷ دی ۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم قزوین توسط مزدوران رژیم شاه.
- ۹ دی ۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم مشهد به دست مزدوران رژیم شاه.
- ۱۶ دی ۱۳۵۷ - سقوط دولت نظامی ازهاری و تشکیل کابینه شاپور بختیار.
- ۲۳ دی ۱۳۵۷ - بازگشایی دانشگاهها.
- ۲۶ دی ۱۳۵۷ - فرار محمد رضا شاه از ایران.
- ۳۰ دی ۱۳۵۷ - آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی رژیم شاه.
- ۱۲ دی ۱۳۵۸ - آغاز تحصن گسترده مردم سندج.
- ۱۵ دی ۱۳۵۸ - اعلام برنامه ی ۱۲ ماده ای سعود رجوی کاندیدای اولین دوره ریاست جمهوری و حمایت تمامی نیروهای مترقی: دموکراتیک و انقلابی از او.
- ۵ دی ۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق معصومه شادمانی (مادر کبیری).
- ۱۹ دی ۱۳۶۱ - ملاقات مسئول شورای ملی مقاومت ایران با معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق.
- ۲۴ دی ۱۳۶۶ - پیروزی اعتصاب غذا کنندگان در کابین پاریس و چند نقطه دیگر جهان و بازگشت سرفرازانه پناهندگان اخراج شده از فرانسه.

چه گوارا نامی که هرگز فراموش نمی شود

روزنامه نیویورک تایمز در شماره روز ۲۱ نوامبر ۹۵، محل دفن ارنستو چه گوارا را اعلام کرد. به نوشته این روزنامه ماریو وازگاس سالینا، ژنرال بازنشسته ارتش بولیوی پس از ۲۸ سال سکوت اعلام نمود که او یکی از تنها سه شاهدی است که هنگام به خاکسپاری چه گوارا حضور داشته است. این ژنرال ارتش بولیوی باند فرودگاه والگراند در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی سانتاکروز را محل دفن چه گوارا اعلام کرده است. به گفته این ژنرال چه گوارا در ۱۱ اکتبر ۱۹۶۷ پس از دستگیری به وسیله نیروهای ارتش بولیوی، همراه با پنج تن دیگر اعدام و جملگی در یک گور دفن می شوند. رادیو بی بی سی در برنامه روز ۲۳ آذر خود گزارشی در این باره پخش نمود. به گفته این رادیو رئیس جمهوری بولیوی دستور داده تا در این مورد

تحقیق شود. حکم اعدام چه گوارا به وسیله ژنرال «رنه بارنتوس»، رئیس جمهور وقت بولیوی و به دستور سیا صادر شد. رادیو بی بی سی در گزارش خود می گوید: «اتشار این خبر با واکنش سریع مقامات بلندپایه دولت بولیوی روبرو شده است. اگر چه هنوز دلیلی در مورد صحت این اطلاعات وجود ندارد. اما به هر حال معتبرترین اظهار نظری است که در باره محل دفن جسد این قهرمان انقلابی شده است.»

۲۸ سال پیش، ارنستو چه گوارا، در راه آرمانهای والایی که برگزیده بود، جان باخت. گرچه تاکنون هیچکس نمی دانست که او در کجا دفن شده است، اما یاد و خاطره این انقلابی بزرگ همواره در قلبهای میلیونها انسان زنده بود. او هرگز فراموش نشد و نمی شود.

